

قانون اساسی باید منافع کارگران، دهقانان، زحمتکشان و همه خلقهای ایران را تضمین کند



کارگران و زحمتکشان متحد شوید

دوشنبه ۸ مرداد ۱۳۵۸

سال اول - شماره ۲۳ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران قیمت ۱۰ ریال

در آستانه برگزاری انتخابات

دولت پاره‌ای از قراردادهای نظامی با آمریکا را ابقاء کرد

ما بارها گفته‌ایم که بدون قطع کامل وابستگی باستقلال‌نالی‌آمد و نیز درمقالات متعدد پیرامون اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی نمی‌توان وابستگی نظامی‌گفته‌ایم که بدون درهم شکستن

پیش نویس قانون اساسی

آزادیهای دموکراتیک را پایمال کرده است

تصویب پیش‌نویس موجود پس از یک قلم خونین و دادن دهها هزار شهید تنگ بزرگی خواهد بود

وقتی ما از آزادیهای دموکراتیک سخن می‌گوییم بلافاصله برداشتهای مختلف و ضد می‌کنیم



بهروز سلیمانی روزبهانی ناصر خاکسار محمدرضا جوشنی املشی

معرفی کاندیداهای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در کردستان - خوزستان - گیلان و آذربایجان

دکان و سپی در معدن سنگ بکار پرداخت. وید سین کار در کورمیزخانه و جاده سازی با معال کارگری و فعالیت سیاسی آشنایی یافت بقیه در صفحه ۶

معرفی کاندیدای کارگران پیشرو تهران

فقط نمایندگان کارگران، زحمتکشان و هواداران آگاه آنها می‌توانند قانون اساسی را تصویب نمایند که حافظ حقوق مردم باشد

پیش‌نویس قانون اساسی با اختیارات فوق‌العاده‌ای که به رئیس‌جمهور داده است دیکتاتور جدیدی را می‌پروراند

اختیار که در پیش‌نویس قانون اساسی به رئیس‌جمهور داده شده است و خطراتی که واگذاری چنین اختیاراتی به یک شخص متوجه آزادیهای مردم میکند، موضوع این مقاله است

شورای سازشکار «ژنرال موتورز» را افشا کنیم

شورای کارکنان ژنرال موتورز که ملت مایهت سازشکارانه و محافظه‌کارانه خودمیسخت نهایت سعی خود را در برقراری صلح و مسالمت بین کارگران و کارفرما صرف نموده است

نیروهای سیاسی

باچه موضع و باچه هدفی در انتخابات شرکت می‌کنند

در آستانه تدوین قانون اساسی و پس از گذشت نزدیک پنجاه سال از قیام رشکوه بهمن‌ماه، خلقهای ایران، مفت‌آرایی طبقات و نیروهای سیاسی جامعه در رابطه با قانون اساسی چگونه است و گروهها، سازمانها و احزاب سیاسی

سرمقاله: پیش‌نویس قانون اساسی

از مالکیت سرمایه‌داران و انحصارات دفاع می‌کند و حقوق ابتدائی زحمتکشان را نادیده گرفته است

در جامعه سرمایه‌داری که سرمایه‌داران مالک وسائل تولیدند و با تکیه این مالکیت بر وسائل تولید کارگران و زحمتکشان را مورد استثمار قرار می‌دهند تمام وسائل سرکوب در خدمت سرمایه‌داران قرار دارد با تا اتکاء به فقر و زور هرگونه صدای حق‌طلبانه توسط زحمتکشان را در گلو خفه‌کنند در این جامعه دولت از منافع سرمایه‌داران حمایت می‌کند و ارتش، پلیس، زندانبانی و غیره برای سرکوب خلق سازمان داده می‌شوند. دادگاه و زندان را برای محاکمه و محکومیت تودها و مخالفین رژیم سرمایه‌داری بوجود می‌آورند و برای برحق جلوگیری از اعمال ضد خلقی خود قوانین وضع می‌کنند تمام قوانین جامعه سرمایه‌داری بفرع استثمار کارگران و بر علیه زحمتکشان تنظیم شده است. هر قانونی از منافع طبقات و فشار حاکم حمایت می‌کند قانون کار را در نظر بگیریم که کارگران هر روز با مواد ضد کارگری آن روبرو هستند در کجای قانون کار دیده شده که منافع کارگران را در نظر گیرد. بنسبت آن بفرع کارفرما و بر علیه کارگران تنظیم شده است. قوانین دیگر از جمله قانون اساسی نیز از این قاعده مستثنی نیستند قانون اساسی نیز تکیه بر منافع طبقات خاصی از جامعه است. قانون اساسی هر کشوری نظام اجتماعی و سیاسی آن کشور را که شالوده حفظ و بقا حاکمیت طبقات حاکمه است، منعکس می‌نماید بنابراین قانون اساسی هر کشوری نشان‌دهنده تفرقی بودن و یا ارتجاعی بودن یک نظام بقیه در صفحه ۳

مستشاران نظامی امپریالیسم آمریکا و جاسوسان سازمان سیا گروه، گروه به ایران باز می‌گردند

مستشاران نظامی امپریالیسم آمریکا و جاسوسان سازمان سیا گروه به ایران باز می‌گردند

توطئه ارتجاع در «سرو»

اینک که خلقهای مبارز ما پیروزی قیام را با نفس غم و اندوه هزاران شهید چشیده‌اند اینک که پیش از پیش کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان میهنمان به قدرت دست‌های توانای خویش آگاهی یافته‌اند شک نیست که تا آخرین واقعی حقوقی که در جریان انقلاب به‌طور آنها مبارزه کرده‌اند دست از مبارزه نخواهند کشید

از همه هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران می‌خواهیم که مواضع سازمان را در قبال «مجلس خبرگان» و پیش‌نویس قانون اساسی و هدف سازمان را از شرکت در انتخابات، در هر فرصتی برای مردم توضیح دهند و فعالیت در انتخابات شرکت کنند

«سازمان چریکهای فدائی خلق ایران» برای دفاع از خواستهای کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان خلقهای ایران کاندیداهای خود را برای مجلس پروری قانون اساسی درسراسر ایران معرفی می‌کند:

- تهران ۱ - حشمت‌الله رئیسی - کارگر پالایشگاه تهران - فدائی خلق ۲ - رقیه دانشگری - فدائی خلق ۳ - مصطفی مدنی - فدائی خلق ۴ - مهدی حاج‌قاسمی تهران - کارگران پیشرو آذربایجان شرقی ۱ - نعمت‌الله مصدقی کلین - کارگر کارخانه خالصسازی تبریز - فدائی خلق آذربایجان غربی ۱ - محمدانور سلطان پورکان - معلم - فدائی خلق کردستان ۱ - بهروز سلیمانی - فدائی خلق ۲ - مازادالدین صانق‌وزیری - حقوق‌دان - سازمانهای سیاسی کردستان بقیه در صفحه ۴

تا سرمایه‌داری وابسته برقرار است

مسئله مسکن زحمتکشان حل نخواهد شد

همه می‌دانیم که ساختمان و صنایع وابسته به آن یکی از بزرگترین بخشهای اقتصادی ایران است و قسمت عمده‌ای از سرمایه‌های انحصاری در آن مشغول به کار بوده است. پیش از قیام بهمن ۱۳۵۷، و در واقع از آغاز ۱۳۵۵ فعالیت تولیدی ساختمانی به علت بحران اقتصادی که پیوسته بالا می‌گرفت، با رکود مواجه شد و همراه با آن صنایع وابسته بقیه در صفحه ۴

قانون اساسی باید حافظ دستاوردهای قیام باشد

پایه سرمقاله

پیش نویس قانون اساسی

مالکیت سرمایه داران و انحصارات دفاع می کند و همه حقوق ابتدائی زحمتکشان را نادیده گرفته است

اجتماعی و یک سیستم حکومتی است مثلا در قوانین اساسی کشورهای سوسیالیستی که بازتاب حاکمیت توده های زحمتکش است در هر اصل و هر بند آن منافع کارگران و زحمتکشان در نظر گرفته شده است و آزادیها و حقوق دمکراتیک به کامل ترین شکل آن منع زحمتکشان تضمین شده است اما در قوانین اساسی کشورهای سرمایه داری قانون اساسی نه تنها زحمتکشان بلکه بنوع سرمایه داران و همه ثروتمندان تنظیم و تدوین شده است حال اینست که پیش نویس قانون اساسی منافع کمال طبقات و اقلیت را تضمین می کند و مدافع کمال نظام اجتماعی است. برای پاسخگویی باین سوال از سیستم اقتصادی آغاز می کنیم.

آنچه که در سراسر طرح پیشنهادی قانون اساسی چشم می خورد حفظ و حرمت نظام طبقاتی موجود یعنی سرمایه داری و اوست است. نحوه تنظیم قانون اساسی بگونه ای است که خانواده این وابستگی که همانا وابستگی اقتصادی است همچنان دست نخورده باقی بماند. و در هیچ یک از مواد قانون اساسی سخنی که دال بر قطع کامل وابستگی بافاده بیان نیامده است. در اصل ۶۰، پیش نویس راه را برای سلفه هم چنانچه امپریالیسم هواری کرده است. در این اصل نوشته شده است: «فدایان امتیاز تشکیل شرکتها و موسسات عمومی و انتطای امتیاز نظیر در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن از طرف دولت بدون تصویب مجلس شورای ملی ممنوع است». این درست همان اصلی است که در گذشته نیز رژیم مزدور هواری از طریق آن امتیازاتی بی شمار و انحصاری در امور تجاری و صنعتی کشاورزی و معادن با تصویب مجلس دست نشاند خود به امپریالیستها و سرمایه داران وابسته داده بود. در این اصل اساسی برای آن گذاشته شده است که دولت میتواند امتیازات انحصاری به امپریالیستها و سرمایه داران وابسته بدهد زیرا چه کسانی میتوانند این امتیازاتی را بگیرند؟ تنظیم کنندگان پیش نویس قانون اساسی بخیال خودشان راهی برای فریب توده ها پیدا کرده اند و در ادامه این اصل می نویسند: «بدون تصویب مجلس شورای ملی ممنوع است مگر ما شاهد نبوده ایم که در گذشته نیز مجلس که میبایستی چنین امتیازاتی را تصویب کند یا نکند. همه قراردادهای اسارت بار و امتیازات انحصاری به امپریالیستها و سرمایه داران وابسته را تصویب کرده این لفظ سروشی است برای فریب توده های مردم. نظر ما نسبتا دولت بلکه مجلس و هر مقام و یا نهاد دیگری حق ندارد یک چنین امتیازاتی بکسی بدهد اساسا صنایع، معادن... باید همگی ملی باشند اما این اصل نسبتا حاکمیت نامشود را بر رسمیت شناخته و بر آن مهر تأیید زده است بلکه سرمایه گذارهای خارجی و حرکت آنها را در غارت زمین ما مجاز دانسته است و راه را کاملا برای ادامه استعمار زحمتکشان میهن ما توسط سرمایه داران و انحصارات امپریالیستی و سرمایه داران وابسته داخلی هواری کرده است و در اصول دیگر با رسمیت شناختن مالکیت خصوصی پروسایل تولید که همانا دفاع از مالکیت سرمایه داران و انحصارات امپریالیستی است حمایت این قانون اساسی بوضوح افشا شده است. در هیچ جای این قانون اساسی منافع زحمتکشان

پیش نویس قانون اساسی مالکیت خصوصی پروسایل تولید را مقدس و محترم می داند. در اصل ۳۷ فصل پنجم قانون اساسی نوشته شده است «مالکیت خصوصی در صنایع، کشاورزی، و یا بازرگانی در صورتیکه وسیله انحراف یا تجاوز بمنافع عمومی خود، ملی اعلام نمی گردد.» در این اصل مالکیت ثروتمندان بقرط آنکه وسیله انحراف یا تجاوز بمنافع عمومی نشود بر رسمیت شناخته شده است. ما سوال می کنیم که آیا سرمایه داران و تمام ثروتمندان که صاحبان صنایع، معادن... هستند این ثروت خود را بچهار طریق بمنت آورده اند؟ آیا جز اینست که از طریق استعمار و غارت خلق، از طریق دزدی و غارت ثروت ملی؟ مالکیت سرمایه دار بر کارخانه که اینست قانون اساسی آرا مجلس میباید دفاع از منافع ثروتمندان منحوس می خورد زیرا ثروت سرمایه داران نتیجه استعمار کارگر است و این سرمایه لا خون و عرق کارگر بمنت آمده است. زمین داران بزرگ نیز ثروت خود را از طریق استعمار و ستم روا داشتن بر کارگران و دهقانان بمنت آورده اند. در این اصل مالکیت خصوصی محترم شناخته شده است مگر وقتیکه وسیله انحراف یا تجاوز بمنافع عمومی خود، مشکلی که در اینجا باز پیش می آید اینست که چه کسی و چگونه میخواند این اصطلاح «انحراف» را تعیینی دهنا سرمایه دارانی که قانون اساسی از منافع و حاکمیت آنها دفاع می کند یا زحمتکشان؟

منافع ملی از دیدگاه سرمایه داران حفظ منافع سرمایه داران است، آنها منافع ملی از دیدگاه زحمتکشان تامین منافع زحمتکشان است منافع این دو طبقه اساسا متضاد است و هیچگاه منافع استثمارگران و استثمار شوندگان نمی تواند یکی باشد از نظر سرمایه داران زمین برسانند منافع ملی یعنی تامین سودهای آنان از طریق استعمار کارگران و زحمتکشان. هنگامی که ما داریم که راه نیز سرمایه گذارهای خارجی و سرازیر کردن سودهای کلان بنیچ سرمایه داران داخلی و خارجی را منافع ملی و خدمت به آن قلمداد می کرد. بنابراین در اینجا نیز این ثروتمندان هستند که تعیینی «انحراف» بجهت آنها گذاشته شده است. در این اصل اساسا مالکیت خصوصی بدون هیچ حد و مرزی و بدون هیچ محدودیتی محترم شمرده شده است.

در اصل ۶۱ فصل پنجم پیش نویس قانون اساسی نیز بوضوح حمایت آن افشا شده است و بروحی نشان می دهد که سیستم اقتصادی که در قانون اساسی ارائه شده مبتنی بر مالکیت سرمایه داری است و برای حفظ منافع سرمایه داری و اوست به امپریالیسم تنظیم شده است. در این اصل نوشته شده است:

«هیچ ملکی را نمیتوان بمنزله نیاز عمومی از صاحبش گرفت مگر با تصویب قانون و پرداخت قیمت عادلانه»

این اصل بیان عریان و پوست کنده آن سیستم اقتصادی است که قانون اساسی برای حفظ و حرمت از آن تنظیم شده است. بر طبق اصولی که ذکر کردیم تکلیف کارگران، دهقانان و زحمتکشان روشن می خورد. از این پس بر طبق این قانون اساسی صاحبان کارخانه ها، زمینداران بزرگ امپریالیستها و همه بزرگان و غارتگران تگرانیان از میان می رود و قانون اساسی به آنها حق میدهد که مانند گذشته با استعمار توده های زحمتکش ما بپردازند. زیرا که رسمیت شناختن مالکیت آنها پروسایل تولید همانا پایمال کردن منافع زحمتکشان جامعه است.

برسمیت شناختن مالکیت خصوصی بدون هیچ حد و مرز همانا ادامه وضع گذشته است با رنگ و لعاب تازه.

زحمتکش بگوید: قانون اساسی جدید تثبیت و دفاع از سرمایه داری و اوست است در هر ایض جدید می بینیم که پیش نویس قانون اساسی نتیجه مبارزات ضد امپریالیستی، ضد دیکتاتوری و ضد سرمایه داری و اوست توده های مردم را منعکس نمی کند. آن قانون اساسی مورد تأیید توده های مردم است که هر اصل آن بر علیه امپریالیستها، سرمایه داران وابسته، بقایای فئودالها و بنوع کارگران، دهقانان، پیشوران و کسبه و خلقهای تحت ستم میهن ما تنظیم شده باشد و از منافع آنها دفاع کند.

کارگران سخن میگویند:

سخنان رفقای کارگر درباره مجلس خبرگان و قانون اساسی

قانون را اینور آور بکنند و یگود چندانکه هم بکنانیم این اپورتونیم است. ما این را از اساس و بنیان رد می کنیم. دولت پورولفان هم رد می کنیم. تفاوت از زمین تا آسمان است. رفا. باز این دلیل لسی خود که فردا ما دوباره اگر قرار بود یک مجلس دیگر تشکیل داده بشود در آن شرکت کنیم. هیچ چنین چیزی نیست. با شرایط مشخص را تعطیل می کنیم. امکان را نگاه می کنیم. ببینیم این چطور جای هست، چند امکان داریم، طبقه کارگر در چه وضعی است، موقعیت جامعه چه، اصلا حالا موقع مجلس رفتن هست...»

نگذارند ما توی تلویزیون صحبت کنیم آنها بیشتر خودشان را افشا کرده اند ما از این مساله بعنوان ملایم بر ضد خودشان استفاده می کنیم، میزنیم توی سرشون. اگر تظاهرات ما را بخواهند سرکوب کنند یا با آن برخورد کنند ما مجبوریم طرق جدیدی در پیش بگیریم. باز حمایت فاشیستی آنها را افشا کنیم. ما مجبوریم از تمام امکانات مادام که وجود دارد استفاده کنیم، این اصل است. تا وقتی که وجود دارد استفاده می کنیم، وقتی که وجود ندارد، که نیست...»

«... اگر ما شرکت نکنیم. چه کسی خواهد تودهای مردم را که در قانون اساسی مطرح نشده است، افشا خواهد کرد. ما این سکورا خالی کنیم، این چند کلمه حرفی را که می نویسیم بر لبها، از حقوق خلقها باید دفاع کند کسی حمایت رژیم جدید را افشا کند ما ادعا می کنیم که این کار را داریم می کنیم، یک وقتی ما اسلحه بدمت گرفتیم و به یادگانه ها حمل کردیم و باید می کردیم... تحلیل منطقی را نباید از یاد ببریم به این دلیل است که ما باید اینجا برویم تا آنها را افشا کنیم و اگر

در آستانه برگزاری انتخابات

دولت پاره های از قراردادهای نظامی

وابستگی بر نمی دارد بلکه با سرعت در جهت تکمیل موقعیت امپریالیستها اقدام می کند.

وابستگی هر چه بیشتر پیش می رود این اسناد نشان می دهد که دولت لانتها هیچ گامی در مبارزه بر علیه امپریالیسم و قطع کامل

است. اسنادی که اکنون منتشر می شود بیانگر این واقعیت است که دولت با ابقاء پاره های از قراردادهای نظامی با آمریکا عملا در جهت

جمهوری اسلامی ایران
وزارت دفاع ملی
معاونت صنایع و وزارت دفاع ملی
معاونت صنایع و وزارت دفاع ملی

شماره: ۱۳۵۸/۲۱۲
تاریخ: ۱۳۵۸/۲/۲۳

موضوع: اعلام آمادگی جهت همکاری در زمینه های اقتصادی و صنعتی.

وزارت امور خارجه
معاونت امور اقتصادی و توسعه منابع
معاونت امور اقتصادی و توسعه منابع

شماره: ۱۳۵۸/۲۱۲
تاریخ: ۱۳۵۸/۲/۲۳

موضوع: اعلام آمادگی جهت همکاری در زمینه های اقتصادی و صنعتی.

وزارت امور خارجه
معاونت امور اقتصادی و توسعه منابع
معاونت امور اقتصادی و توسعه منابع

شماره: ۱۳۵۸/۲۱۲
تاریخ: ۱۳۵۸/۲/۲۳

موضوع: اعلام آمادگی جهت همکاری در زمینه های اقتصادی و صنعتی.

دولت پاکستان پیش از ۱۲۵ تن از کارگران اعتصابی را زخمی و دستگیر کرده است

روز ۱۹ تیرماه ۵۸ پیش از ۲۵ تن در ضیاعالحق دست به اعتصاب زدند. برخورد های خنوت آمیز که بین پلیس پاکستان و کارگران اعتصابی کراچی رخ اشک آور استفاده کرد. مقامات پاکستانی گفتند داد زخمی شدند. کارگران به عنوان اعتراض د راین برخورد ۸۸ تن توسط پلیس بازداشت به سیاستهای اقتصادی دولت نظامی ژنرال شدند.

بیاد آوریم قبل از قیام و هنگام قیام را. این توده های میلیونی مردم تحت ستم بودند که سبب آنها بهیابانها می ریخته این کارگران بودند که با اعتصابات خود اقتصاد رژیم را در هم ریخته این زحمتکشان شهر و روستا بودند که پیگیرانه در مبارزه مرگ و زندگی شرکت کردند و بسوی مراکز سرکوب و ستم یعنی کلکتریها، پادگانها، ژاندارمریها، شعبه های ساواک و غیره هجوم بردند و با قهر انقلابی خود با قیام مسلحانه خود رژیم سلطنتی را برنگون کردند. در آن زمان هزارهای مردم بولشوی رژیم سلطنتی محدود نمی دند توده های مردم بر علیه رژیم دیکتاتوری سلطنتی و امپریالیسم هزار میبندیدند. توده های مردم در آن آرزو بودند که با ولزگولی رژیم سلطنتی، سلف امپریالیسم نیز قطع شود و تغییراتی برایشان در زندگی آنها پدید آید. آنها فهمیدند که دیگر پس از انقلاب نگران بیکاری گرسنگی و فقر نباشند دیگر عده ای سرمایه دار و زمیندار مفتخور روز الوصفت خون آنها را نمکند و محصول کار و گوش توده ها بحدودان تقیق گیرد، آزادیها و حقوق دمکراتیک آنها تضمین شود. له واقعیت این است که در پیش نویس قانون اساسی خواستهای نمایان و آرزوهای مردم پایمال شده است، این قانون اساسی لانتها خواستهای توده های زحمتکش را تامین نمی کند لانتها محتوای ضد امپریالیستی، ضد دیکتاتوری و ضد سرمایه داری توده های مردم در آن منعکس شده نیست. و لانتها حفظ دست آورده های قیام مردم را تضمین نمی کند بلکه بالعکس با صراحت هر چه تا متمر در خدمت سرمایه داران و امپوران اصار آنها، و در خدمت امپریالیستهاست.

رفقا و هموطنان مبارز

پیشنهادات و نظریات انتقادی خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

تهران - بلوار کشاورز، خیابان دهکده (میکنده سابق) ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران.

تلفن: ۶۵۹۹۹۹ (سامان مراجعه و تلفن بستاند از ساعت ۴ الی ۸ عصر)

آدرس پانکی - تهران، پانک ملی ایران ضمیمه دانشگاه، شماره حساب: ۳۳۵۸

بنام جاس نشینت کلام.

از کلیه هموطنان مبارز خواهشمندم پیش پانکی کنکهای مالی خود را که بپانک واریز شده است، مستقیماً برای ستاد ارسال دارند.

شماره حساب اموز - ۳۹۹۲ - پانک تهران ضمیمه مرکز محمد ابراهیم اکبری

ما خواهان تساوی کامل حقوق اقتصادی، سیاسی و فرهنگی زنان با مردان هستیم

اخبار کارگری

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران



تحصن کارگران چای سیاهکل

سیاهکل - کارگران کارخانه «چای‌سنتیر» سیاهکل بخاطر بی‌توجهی کارفرما بهخواست هاپتان در تاریخ ۲۴ تیرماه ۵۸ در محل این کارخانه متحصن شدند. کارگران چای که با حقوق ناچیز از نخستین ساعات پانصد تا آخرین ساعات شب فعالیت می‌کنند ضمن افشای کارفرما و اعمال شد کارگری او خواستهای خود را به شرح زیر اعلام کردند:

- ۱- افزایش میزان دستزد مطابق با افزایش هزینه زندگی
- ۲- پرداخت حق مسکن، خواربار و حق اولاد و ایاب و نهاب.
- ۳- کاهش ساعات کار روزانه به منتهی‌ساعت و پرداخت دوبرابر دستزد برای اضافه کاری
- ۴- بازگرداندن مطالبی که بابت حق بیمه کم کرده اند از کسبیکه بیمه شده یا از دخترچه بیمه استفاده نکرده اند.
- ۵- پرداخت حقوق روزهای جمعه و تعطیلات رسمی و در صورت کارکردن پرداخت دوبرابر دستزد و ۵ درصد اضافه کاری.
- ۶- تهیه لباس کار و تامین وسایل بهداشتی و رفاهی از قبیل آب آشامیدنی، حمام و غیره.
- ۷- کارگران چای سیاهکل ضمن اعلام هتیک با مبارزات کارگران در سطح کشور از نیروهای مترقی خواستند از خواستهای آنها و سایر کارگران چای کار شمال و کارخانه‌های چای حمایت شود.

خواستهای کارگران خانهای سازمانی صنایع گسترش تبریز

ما کارگران خانهای سازمانی صنایع گسترش مدت ۹ سال است که برای این سازمان کار می‌کنیم و هنوز رسمی نشده ایم. در طول مدت ۹ سال ما همانند همه رفکار کردیم. آنها برای بهره‌کشی هر چه بیشتر از ما برای اینکه بتوانیم از مزایای کارگران صنایع گسترش بهره‌مند گردیم، با رسمی شدن ما موافقت نکردند و حالا ما را به شرکت‌هایی که نقش واسطه (دلال) را دارند هر دو سال یکبار قرارداد خود را با سازمان گسترش تجدید می‌کنند پاس می‌دهند.

۲- به امروز در خانهای سازمان گسترش برای شرکت‌های کاپر- تری‌پری و تاپ‌ناب کار کرده ایم و تا شش روز دیگر که مدت قرارداد صنایع گسترش با شرکت تاپ‌ناب تمام می‌شود، ما دوباره به عنوان پیمانکار گشته کارکنان خواهیم شد.

با وجود اینکه بارها به مقامات مسئول گسترش کرده ایم ولی هیچگونه جوابی به ما داده نشده است. اخیراً نیز بعد از قیام شکوهند توده‌ها با این امید که دیگر وضع عوض شده است ضمن مراجعه به مدیر عامل شرکت صنایع گسترش در تهران مشکل خود را با وی در میان گذاشتیم. جواب وی در مقابل خواست ما چنین بود:

«۲۵۰ هزار کارگر بیکار داریم، شما ۱۵۰ نفر هم رویش».

ما اعلام می‌کنیم که دیگر بایستی هیچ واسطه‌ای بین ما و صنایع گسترش وجود نداشته باشد. این امر علاوه بر اینکه موجب تلف شدن بودجه سلکت و سوء استفاده وسیع شرکت‌های واسطه می‌گردد، همچنین تاکنون



توضیح در مورد خانه‌های پولادشهر ذوب آهن

اسفهان - در مورد خبر مربوط به خانه‌های پولادشهر اسفهان مندرج در شماره ۱۸ کار توضیح زیر از طرف چند تن از کارگران در اختیار ما قرار گرفت.

«برای واگذاری خانه‌های پولادشهر به کارکنان ذوب آهن می‌بایست شرایط خاصی در نظر گرفته شده است. بعضی از افراد که در شهر دارای خانه می‌باشند تعدادی از این خانه‌ها را گرفته‌اند و عمل آنها موجب شده گروهی از کارگران که نامشان در لیست نوبت‌تعمیر خانه بوده از حق خود محروم شوند. شورای رفاهی کارکنان ذوب آهن با انتشار «فرم تقاضای مسکن» که در اوایل سال جاری منتشر کرد، از متقاضیان ثبت نام بصل آورده ر کارکنان تلاش می‌کنند تا همه به کسبیکه نیاز واقعی دارند داده شود.»

تا رسیدن به تمامی خواستهای کارگران از خروج کالا جلوگیری می‌کنند

رشت - شورای کارگران کارخانه «نیرو تاپلو» واقع در شهر منشی رشت که در تاریخ ۲۸ مرداد ۵۸ بمنظور رسیدن به خواستهای خود خروج کالا از کارخانه را متوقف کردند همچنان مبارزه علیه کارفرما ادامه می‌دهند.

کارفرما پس از روبرو شدن با حرکت یکپارچه کارگران حاضر به مذاکره با آنها شد ولی در تاریخ ۲۲ مرداد ۵۸ امر کرد نمی‌تواند خواستهای آنها را بپذیرد. کارگران که همچنان از خروج کالا جلوگیری می‌کنند تصمیم گرفتند قسمتی از خواستهای خود را به مرحله اجرا درآورند که از آن جمله است تثبیت ۲۵ ساعت

کار در هفته، تعطیل پنجشنبه‌ها، تخصیص دو ساعت از وقت کار برای تشکیل هر مجمع عمومی. در تاریخ ۲۳ تیر مدیر عامل کارخانه نماینده‌ای را جهت مذاکره به نزد کارگران فرستاد ولی او نیز خواستهای کارگران را غیرقابل قبول دانست و به این ترتیب جلوگیری از خروج کالا همچنان ادامه دارد.

خواستهای دیگر کارگران «نیرو تاپلو» عبارتند از: دادن یک نوبت غذای روزانه، افزایش حقوق کارگران بر اساس طرح طبقه بندی مشاغل و نظرات شورا و تأیید شورا و مجمع عمومی کارگران.

تاسرمایه داری وابسته برقرار است...

داری وابسته است. اما از قرار معلوم مشاوران اقتصادی آقای بازرگان درس اقتصاد بنزد در خدمت کتایبای مقدماتی اقتصاد بورژوازی هم بلد نیستند حتی در همان چهارچوبی که می‌خواهند نمی‌توانند پیش روند. با این که می‌دانند چه می‌کنند ولی بروی خود نمی‌آورند. موقیبت این طرح در جهتی که مورد نظر آقای بازرگان است تنها در این حد است که برخی از خانه‌های فروش زفته به‌صورت افرادی که هنوز هم پس‌اندازی برای آنان باقی مانده و هنوز هم درآمدی دارند که بتوانند قطعی وام را بردارند. فروخته شود و سرمایه‌داران بسیار بفروش سودشان را نقد کنند اما زهی خیال باطل که این سرمایه‌داران بتوانند در شرایط کنونی در کار ساختمان سرمایه گذاری کنند.

دولت بازرگان یکبار پیش از این هم چنین سیاستی را درباره صنایع در پیش گرفت و وضع میلیاردر رمال اعتبار برای صنایع فراهم آورد. اما مثل این که آقای بازرگان نمی‌خواهد بپذیرد که سرمایه‌داری وابسته چه خصوصیتی دارد. سرمایه‌دار دل به آب و خاک و مردم و وطن نمی‌بندد. آنچه برای او مطرح است انتظار سود است و برای سرمایه‌دار وابسته انتظار سود در گردش جهانی سرمایه مطرح است. تا هنگامی که مردم مبارز ایران یکپارچه برای بیرون راندن امپریالیستها و عوامل داخلی آنها مبارزه می‌کنند و هدفی کمتر از صحرای کامل سلطه امپریالیسم را در مقابل حرکت انقلابی خود نمی‌پذیرند، سرمایه‌داران انحصاری داخلی و خارجی دست به سرمایه‌گذاری نخواهند زد.

این سرمایه‌داران، هر چند می‌خواهند روابط سلطه آمیز گذشته را دوباره تحکیم کنند و در این راه از هیچ کاری فروگذار نیستند، حساب سود و زیانشان را حساب جداگانه‌ای می‌دانند. آیا آقای بازرگان نمی‌داند که چرا در بازار ارز نرخ غیر رسمی تا ۵۰ درصد بیشتر از نرخ رسمی است؟ مثل این که تنها آقای بازرگان است که نمی‌داند یا بهتر بگوییم نمی‌خواهد بداند، که سرمایه‌داران وابسته در پی نقد کردن و تبدیل دارایی‌های خود به دلار و دیگر ارزها هستند و «تجار محترم» نیز در خدمت این

به آن نیز دچار وقفه شدند. زنی وابسته گشته توانست با هیچ شگردی با این بحران مقابله کند قیام پرشکوه مردم ایران علیه بازرگان داخلی و خارجی چرخهای اقتصاد وابسته ایران را از حرکت بازایستاد دولت بازرگان بدون آن که بتواند تقییری اساسی در تولید اجتماعی جامعه ما ایجاد کند و اقدامی در جهت کوتاه کردن دستهای سرمایه‌داران انحصاری داخلی و خارجی انجام دهد دیگر بار می‌خواهد همان چرخها را به حرکت درآورد.

اکنون که چند صد هزار واحد مسکونی تنها در تهران خالی و بدون مشتری افتاده است، چون کسی نیست که توانایی خرید آنها را بپذیرد، انحصاری سرمایه‌داران وابسته دولت می‌خواهد به مردم وام بدهد تا این خانه‌ها را از روی دست صاحبان آنها بردارد. به این امید که رونقی که بهین ترتیب در بازار ساختمان وجود می‌آید به‌صحت ساختمان و صنایع وابسته به آن رونق بخشد. در ماده ۴ آمده است: «در ساختمان‌های مورد خرید حداکثر پنج سال از تاریخ گروهی پایان کار» باشد یعنی این که این وامها باید اختصاصاً برای خرید ساختمانهای مصرف شود که در همین چند سال گذشته ساخته شده و سرمایه‌داران مالک نتوانند آنها را بفروشند.

گذشته از این، «بانک ملی ایران» به‌سازندگان واحدهای مسکونی (تا یکصد واحد) وام می‌دهد. وامی که برخیزد قابل انتقال است. این سیاست جدید دولت بازرگان برای «تامین مسکن» برای مردم جامعه است. رژیم گذشته نیز درست همین سیاست را دنبال می‌کرد، تنها با این تفاوت که اکنون دولت بازرگان به جای ۹ تا ۱۱ درصد به‌مردم ۶ تا ۸ درصد بهره می‌گیرد. به عبارت دیگر بانک دولتی «ملی ایران» حاضر شده است، در مقایسه با نرخ بهره بانکها در گذشته در حدود ۳ درصد از بهره خود چشم پوشی کند تا سرمایه‌داران بازاری و فروش بتوانند خانه و آپارتمانهایشان را که به خریدار مانده است بفروشند و بازم خانه بپازند و بازم بفروشند تا بازم سود ببرند خوب می‌دانیم که این سیاست، در واقع، به‌درجهت تامین مسکن برای زحمتکشان، بلکه کابین شرایط مناسب برای تحکیم و رند سرمایه

پرده از توطئه سرمایه‌دار کارخانه ارج برداشته شد

تهران - روزشنبه ۲۳ تیرماه هنگامیکه کارگران کارخانه ارج در تعطیل تابستانی بودند و تنها تعداد کمی از کارگران قست خدمات در کارخانه بودند یکی از سرمایه‌داران کارخانه بنام «امیر سرداری» که در ضمن نماینده «ارج» سرمایه‌دار صنایع کارخانه ارج است از فرست استفاده می‌کند و در شرایطی مشکوک سهامداران را در کارخانه جمع می‌کند. وی بار دیگر در روز شنبه ۲۶ تیر در کارخانه جلسه‌ای خصوصی تشکیل می‌دهد و حتی در ابتدا از ورود اعضای شورای کارخانه که در محل بودند با بی‌میل چلو-گبری می‌کند. اما چون با مقاومت آنها روبرو می‌شود آنها را نیز به‌جمله فرا می‌خواند. وی در این جلسه اقدام به شروع انتخابات کارگر را بعنوان «آژانس کارخانه همین» می‌کند. یکی از کارگران مبارز که در این جلسه حضور داشته و با این اقدام توطئه آمیز روبرو می‌شود اعتراض می‌کند و می‌گوید ما نمی‌توانیم بدون حضور ۲۵۰۰ کارگر هیچگونه انتخاباتی انجام دهیم. اعتراض و افشاگری این کارگر سبب می‌شود که جلسه بهم می‌خورد و پرده از روی توطئه‌ای که بوسیله کارفرما و عوامل او در شرف وقوع بود، برداشته شود.

خبرهای کوتاه کارگری

تبریز - ۵۵۰ کارگر اداره راه و ترابری استان آذربایجان شرقی که مدت سماء است در جاده تبریز - زرقان با سختی و تحمل گرمای طاقت‌فرسا کار می‌کنند، از جانب استاندار تهدید به اخراج شدند. علت اخراج این کارگران که روزانه ۵۰ تومان حقوق می‌گیرند مشخص نشده. کارگران در برابر تهدید استاندار ایستادگی کرده و گفته‌اند همچنان به کار ادامه می‌دهند.

اهواز - کارگران و رانندگان پیمانسی شرکت حمل و نقل حاج‌نرین (پیساکار) شرکت نفت در اهواز بخاطر نپرداختن حقوق و رسمی شدن و عدم پرداخت هزینه مسکن و فوق‌العاده ویژه دست از کار کشیدند و مانع خروج ۲۵۰ اتوبوس از اهواز شدند. کارفرما پس از مواجه شدن با اعتراض یکپارچه کارگران تصمیم شد و با بعضی از خواستهای آنها موافقت کرد.

فقط با قطع کامل وابستگی به امپریالیسم است که می‌توان صنایع، بانکها و شرکتهای وابسته را ملی کرد

بقیه از صفحه ۱

معرفی کاندیدای کارگران ...

محکم کنند و قوانین و حرکات ضد کارگری روز بروز بیشتر شود. علت این وضعیت گذشته از اینکه در ماهیت دولت سرمایه دار نهفته است از شرف خود ما کارگران نیز ریشه میگیرد. لذا داشتن آگاهی سیاسی و طبقاتی و همچنین نداشتن وحدت و تنگنا باعث شده هیچ سهمی از انقلابی که پایتخت بزرگش ما بوده، نصیب ما نشود. و این برای چنانچه بار انتصاح که نبرد انقلاب زحمتکشان، نصیب استثمارگران شده است. برای رهائی از این زندگی فلاکت بار امروز ما باید به هر طریقی که ممکن باشد، دست و پا بزنیم و با جبران کنیم. شرکت در مجلس خبرگان که بجای مجلس موسسان بر ما زحمتکشان تحمیل شده یکی از این راهها است. البته ممکن است این سؤال پیش آید که ما چرا باید در مجلسی که تحمیلی است شرکت کنیم ولی جواب روشن است ما باید با شرکت در این مجلس ماهیت قوانین ضد کارگری را برای برادران و خواهران خود افشا کنیم. ما باید به همگان نشان دهیم که سرمایه داران چگونه با تصویب قوانین ارتجاعی و ضد کارگری در پی به بند کشیدن هر چه بیشتر کارگران و دهقانان و زحمتکشان میباشند.

کارگران پیشرو تهران

قانون اساسی و انتظارات کارگران و زحمتکشان از آن

اکنون که مسئله قانون اساسی مطرح است اعلام میکنیم که فقط نمایندگان کارگران، زحمتکشان و هواداران آگاه آنها میتوانند نمایندگان قانون اساسی را تهیه و تنظیم کنند. از این رو ما خواهشهای کارگران و زحمتکشان را در این مقاله می نویسیم و مستقیماً که قانون اساسی باید آنچنان باشد که بتواند این انتظارات را تمسین کند و الا هرگونه قوانینی که خلاف منافع زحمتکشان باشد برای ما قابل قبول نیست و بنابراین وظیفه خود میدانیم که با تمام قدرت ماهیت آنها را افشاء کنیم.

۱- ملی کردن واقعی کلیه بانکها و صنایع وابسته به امپریالیسم، بطریقی که منافسان در خدمت تامین زندگی زحمتکشان قرارگیرد.

۲- اخراج کلیه متاوران و متخصصین خارجی از کلیه فعالیت های تولیدی و اداری و نظامی کشور.

۳- لغو کامل قوانین ظالمانه کار قبلی و تدوین قوانین جدید کار توسط نمایندگان واقعی کارگران ایران.

۴- لغو کلیه بدعی ها و یون کارگران و زحمتکشان به بانکها و موسسات دولتی.

۵- حق شرکت مستقیم و فعال در تصویب

قانون اساسی از طریق نمایندگان واقعی کارگران و زحمتکشان.

۶- برسمیت شناختن حق احصاب، اعتراض و راهپیمایی بدون قید و شرط و تامین آزادی بیان و قلم برای کلیه کارگران و زحمتکشان.

۷- حق داشتن کار و پرداخت «حقوق بیکاری» در ایام بیکاری.

۸- تامین مسکن مناسب برای کلیه زحمت کتان ایران (از طریق مصادر ساختن آنها و نماندن مزدوران آمریکائی و عوامل سرسپرده آنها).

۹- بازگشت کارگران احرارجی به سرکار و رسمی شدن کارگران بیسالی.

۱۰- لغو هرگونه سانسور در بخش اخبار کارگری از وسایل ارتباط جمعی بخصوص رادیو و تلویزیون.

۱۱- تامین امنیت شغلی و جانی برای کلیه نمایندگان واقعی کارگران.

۱۲- تامین آب، برق، بیمه و درمان رایگان برای کلیه زحمتکشان ایران.

۱۳- برسمیت شناختن شوراها و سندیکاها و واقعی و بطور کلی تشکلهای واقعی کارگران.

۱۴- عدم دخالت کمیتهها، مأمورین نظامی و عوامل سرمایه داران در اجتهادات و مبارزات کارگری.

۱۵- لغو کلیه قوانین ظالمانه کار قبلی و تدوین قوانین جدید کار توسط نمایندگان واقعی کارگران ایران.

۱۶- لغو کلیه بدعی ها و یون کارگران و زحمتکشان به بانکها و موسسات دولتی.

۱۷- حق شرکت مستقیم و فعال در تصویب

قانون اساسی از طریق نمایندگان واقعی کارگران و زحمتکشان.

۱۸- اجرای ۴۵ ساعت کار در هفته و یکماه مرخصی درسال.

۱۹- آموزش رایگان برای خانواده کلیه کارگران و زحمتکشان.

۲۰- ایجاد شوراها و نهاد کودک در جوار کارخانه، تسهیلات لازم برای زبان پاردر در محیط کار، استفاده از ۳ ماه مرخصی برای زایمان زنان کارگر و لغو شب کاری برای زنان.

۲۱- بیمه واقعی کارگران در مقابل حوادث، نقض ضو و ... در محیط کار.

۲۲- لغو قانون بازنشنگی قبیله و تدوین و تصویب قانون جدید بازنشنگی با دخالت مستقیم نمایندگان کارگران.

۲۳- ایجاد تسهیلات لازم (کلاس بیکار با بیسودی، کتابخانه، فیلم و ...) جهت آموزش کارگران.

کارگران پیشرو تهران ۲۴ مرداد ۵۸

معرفی مهدی حاج قاضی تهرانی کاندیدای کارگران پیشرو



در همین کارخانه مشغول به کار شد و به مبارزات خود ادامه داد.

مهدی حاج قاضی در سال ۱۳۳۳ در تهران متولد شد و تا کلاس ششم ابتدایی به تحصیل پرداخت. از نوازده سالگی شروع به کار کرد و بین سالهای ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۱ به جوار پارهای در بازار تهران و کارگری در همان نخل سنگه شمشک و کارخانه پیکرمانت سازی پرداخت.

از سال ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۹ در کارخانه سپهان ری به کار مشغول بود. در این سال به خاطر شرکت فعال در مبارزات کارگری و مقاومت در مقابل نماینده ساواک از کارخانه اخراج شد بین سالهای ۳۹ تا ۴۷ به کار در کارخانه های ارج، لهاب ایران، سنگبری و همچنین کارآزاد مشغول بود. از سال ۴۷ تا ۵۱ در کارخانه لنت ترمز ایران کار می کرد. در این سال به علت مبارزات سیاسی دستگیر و به مسال زندان محکوم شد. پس از پایان زندان مجدداً

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برای دفاع از ...

- عوزستان
- ۱- ناصر خاکبار - کارگر فولادسازی اهواز - کارگران پیشرو
 - ۲- نسیم خاکبار - معلم (شاعر و نویسنده) - پیشکام
- گیلان
- ۱- مصدوم جوشنی املی - پزشک - فدایی خلق
- مازندران
- ۱- شریعتی درخشنده توماج - کشاورز - کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن
 - ۲- عبدالحمید مضمون - معلم - کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن
 - ۳- فردوس جنبش روبرو داری - پزشک - پیشکام



توطئه ارتجاع در «سرو»

«دند انقلاب» به کردستان بروند و غلبانها به علت تمسین حافران، از اجرای دستور سران میزنند.

از روز جمعه ۲۹ تیر، ارتش حفاظت منطقه را به عهد گرفت. روز شنبه درگیریها ادایه یافت و طی آن عناصر از کردهای منطقه دستگیر و به بندت مورد ضرب و جرح قرار گرفتند. موبارگاه کوردستان به این راهها بود، ارومیه تسلیم شد و کارگران آن که همگی کرد هستند تسبیح بهمهاده کوچ کردند و در کوردستان به خورشید مشغول به کار شدند. دو نفر از کارگران کرد کوردستان، توسط پاسداران دستگیر و به شهر بردند. زن و بچههای این دو کارگر از ترس به کوهها گریختند. اوضاع شهر بطور کلی تا آرام است، تاکنها و روزهایی در روزهای اخیر، مرتب رفت و آمد می کردند. پنهانرا «سرو» جبهه دیگری در منطقه بوجود آمده که در حدود ۵۰۰۰ کرد در آن سگر گرفته اند. این جبهه در منطقه ای نزدیک به ارومیه تشکیل شده است.

داشتند و بعد از قیام با تمام نیرویشان زمینها را از دهقانان می گرفتند نمی توانستند مدافع منافع زحمتکشان ایران در جریان است.

از مدتها پیش و بخصوص بعد از آغاز درگیری منطقه سرو، مرتجعینی نظیر ملاحسنی به سر شد کرد دامن زده اند. نیروهای ارتجاعی تلاش می کنند انجان تودهای کردتین را منقضی کرده و مسئله حل خودمختاری کردها را به مسئله کرد و ترک تبدیل کنند. ملاحسنی رسا اعلام می کند که چشم کردها را باید در آورد. نیروهای ارتجاعی با منافع ملی و با حقوق زحمتکشان معامله می کنند. آنها با پیش کشیدن مسئله کرد و ترک، با نسبه چینی و چغان هم انداختن مردم، منافع خارتگران را تامین می کنند.

را مهار سازند. این قانونندی کلی تمام جرفه های جنگ داخلی و کنتاری است که این روزها در نقاط مختلف ایران در جریان است.

پس از پیروزی قیام در نقاط مختلف کردستان، گاه، سنجج، زمانی نهد، و گاه در پیرانشهر و میوان آتش جنگ فروخته شده است. خلق کرد، مدتها برای رفع ستم ملی و حق تمسین سرنوشت خود جنگیده و طبیعی است که انتظار باز یافتن حقوق حقه خویش را پس از قیام داشته باشد. اما دولت موقت از همان آغاز با خود مختاری خلقها مخالفت کرد و از بر آوردن خواهشهای اساسی خلق کرد سر باز زد و سرانجام، پیش نویس قانون اساسی، آخرین امیدهای خلق کرد را بر باد داد. و در برابر تمام این سلب حقوق، به خلق کرد اتهام تجزیه طلبی و آشوبگری زده شد. کمیتهها و بخصوص ملاحسنی، این روحانی نای مرتجع و سیماد در تارک توطئه برآمدند و فتوادلها را ملح کردند و قتی فتوادلها، دولت و کمیتهها را حامی خود یافتند بخارت زمین و اموال دهقانان دست بردند و عرصه را بر آنها تنگ کردند.

باید پرسید میان زحمتکشان کرد و ترکچه برادر کتنگی وجود دارد مگر نه اینکه هر دو از جانب دشمن مشترک ستم می خورند. این تفرقه افکنان هستند که با سلاح زک گسور خود به شویو آریامهری میان خلقها اختلاف می اندازند تا چند سیاسی به جاوار و استثمار خود ادامه دهند.

درگیری منطقه سرو و تسبیح جو شد کرد، دقیقاً بسود شد انقلاب است.

چنگه چر بفلکت کتاندن دهقانان تسبیحیهای نفعها داشت. این سرزبان و دهقانان هستند که در جهت منافع نیروهای ارتجاعی و فتوادل ها جان می بازند. بعد از چنگه نیز حجابانکه جریان قده نشان داده باز زحمتکشان روستا واره و در بدر می کردند.

ما احتقاد داریم، چنگه میبایستی رسما متوقف گردد و پاسگاه سرو به توسط خود دهقانان و یا شوراها و دهقانی منطقه اداره گردد. دهقانان خود بهترین صورت می توانند از منطقه سرو در مقابل حیرت انگیزان دفاع کنند.

حال بیبینیم که عموئه ارتجاع در سوچگونه صورت گرفت.

دولت موقت که از مدتها پیش در فکر استقرار پاسگاه در مناطق کردتین بود، اخیراً با همکاری حاج سانی، جهانگیرخان و طاهرخان که از سران فتوادل های جناح ملاحسنی هستند موفق شد پاسگاه سرری «سرو» را در نوار مرزی اطراف ارومیه در روز شنبه ۲۳ تیر مستقر سازد.

سفاره رئیس شهر، کردهای اطراف سلطاس و منطقه «سرو» تسبیح بهمسار پاسگاه و خلق سلاح آن گرفت. دهقانان منطقه، اگرچه با فتوادلها در تضاد هستند اما چون از استقرار پاسگاه به نفع آمدن بودند در این فتوادجانب فتوادلها را گرفته اند.

در روز چهار شنبه ۲۷-تیر که نیروهای نظامی و پاسداران بطرف ستاد سران میخورد، چهار نفر از پیشقراولان آنها توسط کردها خلق سلاح و یک کامیون رو به آتش کشیده میخورد. در همین روز تیراندازیهای پراکنده ای نیز صورت می گیرد. روز پنجشنبه ۲۸ تیر درگیری تندتر میخورد و دوفتر از پاسداران کتته و چند نفر دیگر زخمی می شوند. در پیروید روز پنجشنبه، چند نفر از کردها نیز کتته میخورد.

در روز شنبه ۳۰ تیر فرماده حوایی تبریز به غلبان دستور می دهد که برای سرکوب

دولت که می خواهد نهادهای ضد خلقها را مستقر سازد. این بار با سازش با نماینده های فتوادلها، پاسگاه مرزی سرو را برپا کرد. دهقانان از استقرار پاسگاه به شدت خشکین شدند. فتوادلها از یک طرف به خاطر اینکه زحمتکشان روستا، خود مستقلاً درمید تمام پاسگاه برنیانند و از طرف دیگر به خاطر مسندوبیتی که با استقرار پاسگاه برای فتوادلها می باشد فرام می شده تلاش کردند خود جلو افتاده و پاسگاه را مسامره کنند و فتاد دهقانان و فتوادلها را محتالمناع جنگه قرار نده و دهقانان را در جهت اهداف ضد خلقی خود بکشاند. دهقانان که سالها ستم اندامها را تحمل کرده اند این بار حاضر نیستند - نوت خود را بدمت آنها بپارند. این امر، همراه با فقدان تشکل دهقانان و بهره گیری فتوادلها از فرهنگ و سنتهای شهری موجب شده است که روستائیان بدیال فتوادلها کشاند شوند. این فتوادلها که تا دیروز با ساواک در سرکوب خلقهای ایران همکاری

پیش نویس قانون اساسی، بر ضد منافع کارگران، دهقانان، زحمتکشان و همه خلقهای ایران است



پیش نویس قانون اساسی

بقیه از صفحه ۱

آزادیهای دمکراتیک را پایمال...

دیگر مواداران طبقه کارگر و زحمتکشان را داریم که از دیدگاه کاملاً متفاوت به آزادیهای دمکراتیک می نگرند و بجای تقویت بیشتر سلطه امپریالیسم، خواهان قطع کامل رشتنهای وابستگی سیاسی، نظامی و اقتصادی ما به امپریالیسم هستند.

پس در اینجا برای آنکه مرزها را کاملاً مشخص کنیم در ابتدا باید بگوئیم که ما بعنوان مدافعان منافع طبقه کارگرو زحمتکشان میهنمان با چه دیدگاهی از آزادیهای دمکراتیک سخن می گوئیم. برای ما آزادیهای دمکراتیک تنها از دو نظر دارای اهمیت است: برای مبارزه با امپریالیسم و حرکت در جهت نفی کامل آن، و برای رسیدن به حاکمیت دمکراتیک خلق زحمتکش. و باز از نظر ما رسیدن به حاکمیت دمکراتیک واقعی خلق جز از طریق مبارزه با سرمایه داری وابسته و در نتیجه مبارزه با امپریالیسم ممکن نیست. پس این دو از یکدیگر جدایی ناپذیرند و دقیقاً برای رسیدن به همین هدف است که ما از آزادیهای دمکراتیک دفاع می کنیم.

و باز بدلیل همین جدایی ناپذیری است که به آزادیهای دمکراتیک فقط به منزله وسیله لازم برای دفاع از حقوق دمکراتیک مردم اعتقاد داریم. لذا پیش از طرح آزادیهای دمکراتیک در قانون اساسی، باید حقوق دمکراتیک مردم مطرح باشد مثل داشتن حق برخورداری از آموزش و پرورش رایگان و اجباری، بهداشت رایگان، حق داشتن کار، حق اعتصاب، حق ایجاد شورا و سندیکا و اتحادیه، حقوق ایام بیکاری و استراحت، حقوق خلقهای زیر ستم، حق تساوی زن و مرد، و...

قانون اساسی باید نخست حقوق دمکراتیک توأمها را در تمام موارد تعیین کند و به رسمیت بشناسد. و بعد با تسهیل آزادیهای دمکراتیک راه برخورداری و دفاع از این حقوق را بازگشاید، و جلوی تجاوز به این حقوق را سد کند.

فقط شناسایی حقوق دمکراتیک توأمها در قانون اساسی است که اعتقاد به آزادیها را هم ثابت میکند. وگرنه چنانچه حق دمکراتیکی را برای طبقات مردم تعیین نشود، اشاره به آزادیها هم نمیتواند بنیاد درست و محکمی داشته باشد.

آزادیها اگر در چارچوب مسائل زحمتکشان مطرح نشوند، درست بطنی نمانند گرفتن حقوق آنهاست. طرح آزادیهای بورژوازی به منزله رعایت حقوق دمکراتیک همه اقشار مردم نیست. رعایت واقعی آزادیهای دمکراتیک بدون رعایت واقعی حقوق مردم حرفه بومی است. زیرا حقوق و آزادیها تفکیک ناپذیرند. کسی که آزادیهای مردم را سلب می کند معلوم است که به حقوق مردم هم معتقد نیست. همین علت است که در پیش نویس فعلی در آن بخش که به «حقوق ملت» اختصاص یافته دواشکال عده وجود دارد:

اولاً، حقوقی که طرح شده عبارت از همه حقوق دمکراتیک مردم و زحمتکشان نیست. مثلاً از حق داشتن کار سختی در میان نیست. از همین دو کلیتی هم هرگز دولتیها به خاطر رهن کردن بیکاری وجود ندارد. و چون چنین حقی برای مردم قائل نشده اند در نتیجه نسبت به حقوق ایام بیکاری نیز سزاگفته اند.

یا از حق اعتصاب که عادی ترین و طبیعی ترین وسیله دفاع مستشار شوندهگان است مطلقاً حرفی نزنند و بدین وسیله دست دولتهای مدافع سرمایه داران را در جلوگیری از اعتصاب کارگران و زحمتکشان و دیگر گروههای اجتماعی بازگذاشته اند. در کشورهای دیگر بیکاری اعتصاب یا قانوناً ممنوع میشود و یا علاوه بر کثورتی که به سبب آن ممنوع بودن اعتصاب انفرادی در قانون اساسی خود نمیکند معلوم است که قصد دارد علاوه بر اعتصابات کارگران را سرکوب کند.

ثانیاً، همان مقدار از حقوق طرح شده نیز بوسیله محدود کردن آزادیها، قابل از دست

از مبارزات پیروزمند روستای باغچه ...

بقیه از صفحه ۸

بازگرفتن زمینهای خود مبارزه نمانند، لذا در تاریخ ۲۱ و ۲۲ به انتخاب ۵ نفر از بین خود شورای انقلابی ده را تشکیل دادند. شورا بلافاصله نگهبانی روستا را نظم و ترتیب داد و با انتخاب چهار نفر نگهبان در هر شب، امنیت روستا را تأمین نمودند. بعد از این امر شورای ده از طریق قانونی پرونده اختلافات خود را با میهنی خاں به جریان انداخته و بسا سرسختی وی گیری جریان را تا به آخر دنبال نمودند. در ضمن با حرمی قاطع صلحنامه از زمینهای خود نگهبانی کرده و نگذاشتند تا آنها را بکارند. یعنی امینی بارها اهالی باغچه را تهدید به قتل و غارت نموده و بالاخره در تاریخ ۱۳/۳/۵۸ عده ای از جانشای خود و محمد صدیق خاں جاف را جهت غارت مردم باغچه اعزام نمود. اما زحمتکشان مبارز باغچه دو ساعت تمام صلحنامه با مزدوران به نبرد پرداخته و مهاجمان را وادار به عقب نشینی نمودند. پی گیری و سرسختی شورای ده باغچه هم باعث شد که ادارات دولتی تنها به تعاقب آنها رای بدهند، در نتیجه مردم باغچه ستمزبان های خود را دریافت نمودند. بدین ترتیب آن ها زمینهای خود را پس از سالها غصب و تصرف باز پس گرفته و در چند روز اخیر آرا ششم زدند. زمینها بین تمام اهالی، چشوخوش نشین و وجه دهقان تقسیم گردید. در جریان ششم زمینها، برای جلوگیری از حمله احتمالی مزدوران و جانشای، دورتا دور آبادی و زمینها

سنگربندی نموده و به نگهبانی منظم و مداوم پرداختند. بهنگام ششم زدن زمینها اهالی باغچه از روستاهای اطراف، از صاحبان تراکتور تقاضای کمک نمودند، اما آنها در ابتدا ترسیده و از کمک با اهالی باغچه خودداری نمودند، ولی در روزهای آخر چند تراکتور از روستا های اطراف به کمک مردم باغچه آمدند. علت پیروزی مردم در دو عوامل زیر باید جستجو نمود:

۱- اتحاد و یکپارچگی: تمام اهالی باغچه، چه خوش نشینها و چه دهقانان در طول چندین ماه مبارزه خود با یکپارچگی و اتحاد کامل عمل نمودند و هیچگاه دچار تفرقه و اختلاف نشدند. این عمل نقش تعیین کننده در پیروزی آنها داشت.

۲- مبارزه همجایه و پی گیری: زحمتکشان باغچه قاطع و پی گیری، مبارزه خود را چه به شکل قانونی (از طریق ادارات دولتی)، چه به شکل دفاع مسلحانه و چه به شکل افتخاری سیاسی (از طریق اعلامیهها و قفسنامهها) به پیش بردند. اگر آنها مبارز را فقط به شکایت بازی و کاغذ پرانی محدود میکردند، دفاع مسلحانه از خود نمی برداختند، نمی توانستند در مقابل توأمها و حملات میهنی خاں مقاومت کرده و پیروز گردند.

افشا نمودن ماهیت میهنی خاں و جنایاتش از طریق اعلامیهها به مردم و مقامات دولتی و پی گیری روستائیان در مبارزه برای رسیدن

خلق ایران - سنج

بقیه از صفحه ۱

شورای سازشکار «ژنرال موتورز» را...

و کارگران هر روز بیش از پیش اعتقاد خود را نسبت به آنها از دست میدهند. حتی آنها کار را بهائی رسانده اند که خود سرانه در مورد مسائل مربوط بکارگران مثلا در مورد سود ویژه عملاً بزیان کارگران اقدام می کنند. اکنون نیز پس از دولتی شدن کارخانه یا بقول آنها ملی شدن کارخانه، بزگرترین شیوه ها بکارگران می کنند یعنی مانع از این می شود که کارگران درک کنند عقب نشینی موقتی آمریکا، علاوه بر آن از کارخانه کوتاه نکرده است. این ناپندگان سازشکار تلاش می کنند که کارگران را از مبارزه ضد امپریالیسم منحرف سازند و از حرفش برای حمله به نیروهای پیشرو و مبارز در داخل و خارج کارخانه استفاده می کنند و با سوءاستفاده از پائین بودن سطح آگاهی کارگران و عدم تشکل واقعی آنها را به دنبال خود می کشند. بورژوازی نمی تواند، جنگی که ششوا می شود چرا در حالی که مدعی هستند کارخانه ملی شده، هنوز هم باید پول گریخته ها را از آنها ببرد. از جهت کارگران مبارز ما بیرون زد و کارگران خود شمشیر باین مسئله اعتراض می کنند، با بی خبری تمام داد آنها بلند می شود که شا دارید کارگران را راضی می کنید ما پول گریخته ها را از ۲۵ درصد سهم آمریکا کم می کنیم. معلوم نیست که آمریکا چه سهمی دارد و آیا کارخانه جز نمره و زحمت کارگران است؟

این شورا با حمایت مدیران عامل دولتی سی دارد که همان اختیارات سابق را به روسای قسما و فورنها برگردانده کارگران را به اطاعت از این عوامل وادار و خائنین را در کارخانه نگاهدارد. این شورا هوسر چا که صحبت از منافع کارگران می شود، در مقابل آنها می ایستد، بر طبقه کارگران مبارز اقدام می کند و به آنها هر چه بد انداخته می بیند می زند. و هنگامی که منت محکم کارگران را در مقابل خود می بیند مثل موش خود را در پناه کارفرمایان دولتی مخفی می کند و خائنه درین کارگران تفرقه می اندازد. نمونه آن تفرقه اندازی و نفاق انگیزی بین کارگران شیت ۱ و ۲ است که در جهت نقشهای ضد کارگری حد اکثر استفاده را از آن کرده است.

وظیفه کارگران آگاه است که ماهیت این شورا و عناصر سازشکار آن را افشا کنند، شورائی که وظیفه سازش بین کارگر و کارفرما را عهددار شود، دیگر شورای کارگری نیست. باید این شوراها را قلابی و سازشکارا درهم کوبید و بجای آنها شوراها واقعی و کارگری با ناپندگان واقعی و سازش ناپذیر کارگران را پدید آورد. تنها آن شورائی مورد تأیید است که از منافع کارگران دفاع کند.

بقیه از صفحه ۸

رسمی شدن کارگران پیمانی ...

قانون. کدام قانون؟ قانونی که آن طلغوتی وضع کرده است؟ با این سوال برای ما کارگران پیمانی می آید که برای زحمت کشیدن ما قانون هست، اما برای جواب کارهای ما قانون نیست؟ ما تا کی باید سرگردان باشیم و معلوم جواب سرالایی بشوئیم؟ چقدر می توان تحمل کرد؟ اگر شما بجای ما مزد ثابتان را روز ۲۹۹ ریال بود چه کار می کردید؟ بله ما همین مزد حتی یک کیلو گوشت هم نمی شود خرید تا چه رسد به چیزهای دیگر. این فقط منشی انحرافات است و حال که برای خواستهای دست به اعتراض زده ایم از گوشت و کتار ما را مورد سرزنش قرار داده و حتماً را ضد انقلاب خطاب می کنند...

بالاخره ناپندگان دولت که به خاطر یکس پارچگی و سازش ناپذیری کارگران نتیجه ای نگرفته بودند بهشودای دیگر متوسل شدند و با شش نفر از ناپندگان کارگران چله ای تشکل دادند. در این جلسه، مدت مطالعه جهت استفاده ما از زیر پوشش قرار گرفتن کارگران پیمانی بندت ۲ سال ذکر می شود. اما بعضی اینکه کارگران از موضوع آگاه شدند، عدم حمایت خود را از شش ناپندگانه مذکور اعلام داشتند و مجدداً خواستهای خود را مطرح کردند. در تاریخ ۲۹/۳/۵۸ کارگران برای رسیدن به خواستهای خود دست به عصا خود یکی از کارگران متحصن و خدمت اسباب خود را چنین توصیف می کرد: «من با مزد روزانه ۲۹۹ ریال باید خرج دوپچه، زهم و مادرم را بدهم. فرزندان من در حصرت یک خیار پلایندند. ده روز است که قول هندوانه به بهیمانم دادمم و دیروز به بهیمانم با دیسند هندوانه در دست صاحبخانه گریه کرد. من و مادرم شش تا آرام بود. من به اشکهای او و مادرم نگاه کردم. اما این دست من نبود که فروهر و تمام کسانی است که خود را با اصلاح حامی کارگر مستضف معرفی می کنند. این است وضعیت کارگران در جامعه سرمایه داری و این است پاسخ بکسانی که بدو بخود را حامی کارگر معرفی می کنند.

کارگران با تحسن خود مانع از خروج کتبی، کرباسیان، امیری و عده ای دیگر از اشراف نفت شدند و کارمندان نیز با اعلام همبستگی با کارگران، در جهت ایجاد یک سندوق اعتصاب آنها را همراهی کردند. سرانجام کارگران با مبارزه بیکم خود توانستند تا حدی به خواستهای خود برسدند. قرار شد فاصله ۶ ماه تا یکسال رسمی شوند. مبارزه مشکل کارگران پیمانی شرکت نفت بیکار دیگر نشان می دهد که کارگران با اتحاد و تشکل و با مبارزه بیکم می توانند به خواستهای خود برسند.

قانون اساسی باید آزادیها و حقوق دمکراتیک مردم را تضمین کند

بقیه در صفحه ۸

تجلی همبستگی خلق کرد

است، پاسدارانی که در میوان از مزدوران و حشاق پستان آریامیری تشکیل شدهاند. هدف همبستگی با مردم مبارز میوان است که پس از سرکوبی پاسداران خود فروش. بنوان اعتراض پهلوتی که میخواستند از سرکوبی پاسدارانش را حاکم مردم میوان نمایند. شهر را ترک کردند. هدف همبستگی با خانواده اسیران میوان است، اسیرانی که در خین یازی به مردم میوان پوسیده ارتش شد خلقی و پاسداران مزدور دستگیر شدند.

دولت در تمامی دوران آوارگی مردم میوان تنها توجهی که به ملت کرده است مبارزات وسیع تبلیغاتی، تلویزیونی و تحریف و القاب شده و اسلا در اندیشه کمک به مردم میوان - حتی کمک پزشکی - نبوده و هنگامی که مردم مبارز کردستان خود به این امر همت گماشتهاند. دولتشان دستور دستگیری رزمندگان را صادر کردند و بعد درست همانند دوران شاهنشاهی فراری بهانه تراشی کردند که یکی از دستگیر شدگان ساواکی است. بدون اینکه اسم او را عنوان کنند و توضیح بدهند که اگر یک ساواکی در دین اسیران وجود داشته چه ربطی به بقیه مبارزین دارد و چرا آنها را آزاد نمی کند؟ راه میایان با قلبی مالامال از عشق به توپها و کینه و نفرت نسبت به فاجعه آفرینان و توطئه گرانی که هر روز گوشه‌ای از میهنشان را به بخون می‌کنند در میان پرتاب نقل و گل مردم آگاه، سنبل سپوی میوان رفته‌هاالی آگاه ده دهمگره، با راه میسایان اصلاح همبستگی نموده و آمادگی خود را برای هر گونه کتکی که بتواند اعلام داشتهاند. این امر شور راه میسایان را که سرودخوانان و

پیش از راه میسای، کلیبی مابون استانداری جدید کردستان دوفتر از اعضاء برگزارکننده راه میسای همبستگی را بهمنکاره با خورای موقت میوان دعوت کرد. در حالیکه پیدای تماس با میوان، مردم سنبل می‌پروند که در همان ساعات پاسداران مستقر در پادگان با شماره پسر میوان حمله کردند و به این ترتیب وعده آقای کلیبی ارزشی بیش از یک وعده فریب آمیز بنظر اخلال در اراده راه میسایان نبود و آگاهی به این امر بر قاطعیت شرکت کنندگان در این برنامه کرده بودند.

راه میسای در میان پشیمانان مردم و ریختن نقل و گل بر روی راه میسایان آغاز گشت. مردم سنبل از دوروز پیش از آغاز راه میسای تا حد امکان خان مرنوع کتکی برای اجرای برنامه کرده بودند.

در روزهای سشنبه و چهارشنبه نیز در شهرهای بوکان، سنبل، مهاباد و به راه میسای حاشی صورت گرفت که جهت پشیمانان از مردم میوان و آزادی اسرا ترتیب یافته بود. در راه میسای روز سشنبه سنبل بین ۱۵ تا ۲۵ هزار نفر شرکت کرده بودند.

۲- ما خواستار رسیدگی سریع مقامات مسئول دولت به خواسته‌های برحق مردم سنبل دیدیم و آواره میوان منجمه ایجاد نظرو امنیت بوسیله خود مردم شهر میساییم، تا آنجا نتواند آزادانه و با اطمینان هرچه زودتر بر کارو زندگی خویش بازگردند.

۳- ما خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط کانیکه در حال کمک رسانی به مردم میوان دستگیر و زندانی شدهاند می‌باشیم. ۴- پاسداران و سباحتی که بر خلاف خواست مردم منطقه از دیگر نقاط کردستان احرام دشمنان باید سریعاً برآز اولیه خود برگشت داده شوند.

۵- ما خواستار قطع توطئه گریهای دولت بر علیه خلقهای سندیینه خصوصاً خلق کرد و پایان دادن به سیاست نظامی گری و سرکوب تومدهای زحمتکش توسط ارتش، پاسداران، مالکین و قیاده موقت هستیم.

مردم کامیاران مانع عبور لانتها بطرف میوان شدند

گردان زرعی هندان و با فرماندهی قزوین تماس بگیرد تا دستور بازگشت خود را دریافت کند. افسر یاد شده سرانجام در اثر مقاومت مردم کامیاران از بند از ظهر همان روز همراه با افزایش بطرف کرمانشاه حرکت کرد. به این ترتیب مردم کامیاران همبستگی خود را با مردم میوان عملاً به ثبوت رساندند.

مردم بلوچ زاهدان اعمال مرتجعینی را که در کمیته‌ها نفوذ کرده‌اند، محکوم می‌کنند

پاسداران بلوچ از جوانانی که هیچ نسوع وابستگی به عوامل ارتجاعی و سرسپرد ندارند، می‌باشیم. ۳- وظیفه پاسداران دستگیری عوامل ارتجاعی و وابسته به رژیم سابق، حفظ امنیت راهها و دعات و شهرها است نه جنگ افروزی و تفرقه و توطئه بر علیه مردم و جهت به نیروهای مبارز و مترقی. ۴- ضمن محکوم کردن مانسور حاکم بر رادپو و تلوژیون، خواستار جلوگیری از اصال تفرقه، اکتانگه دستگاه فوق حشیم و سیاست این دستگاه را که بجای بالا بردن آگاهی خلق بلوچ، غائانه به توجیه اصالح ضحرمی دولت و سپاه پاسداران می‌پردازد و با وارونه جلوه دادن حقایق، بهشوه رژیم پیشین سی درآید تفرقه دارد محکوم می‌کنیم.

بقیه از صفحه ۱

معرفی کاندیداهای سازمان چریکهای فدایی خلق...

مشغول شده. بعد از آن رفیق همانند دیگر زحمتکشان بکارهای گوناگون مانند نقاشی ساختمان، مجسمه‌سازی و غیره پرداخت، بعد از مدتی، به تیریز بازگشت و نزد یکی از تاجرهای بزرگ تیریز پشاکردی پرداخت. در این دوران از زندگی بود که خشم و کینه‌های دوران در او متبلور شد و دریافت که باید مبارزه کرد و در این راه نیز می‌بایست آگاه بود، آنگاه وارد آموزشگاه حرفه‌ای شد و در رشته برق به کارآموزی پرداخت و بعد از آن زندگی آگاهانه خود را در کارخانه‌ها شروع کرد و به تیریز در کارخانه میمان موفیان، خانسازای ایرداک و چیتسازای و ماشین‌سازی مزدا کارگرد و اکنون در خانسازای تیریز مشغول کار است. رفیق در جنبش اخیر نقش فعالی داشت و ضالانه در مبارزه شرکت کرد و هم‌اکنون نیز در سنگر کارگران و زحمتکشان همبازرزه خود ادامه می‌دهد و عشق شورای کارخانه نیز هست.

۵۶. بیکار می‌خود و گروهی از کارگران بیکار را جمع‌آوری نموده تظاهرات بیکاری و اعتراض بر علیه استخدام خارجیه راه می‌اندازد که منجر به بازداشت وی می‌شود، اما بهت راه میسای کارگران، رژیم مجبور به آزادی وی می‌شود. ناصر در اوایل سال ۵۷ به استخدام صنایع فولاد درمیاید و در آنجا انتصابات عظیم سیاسی سال گذشته را رهبری کرده. در این زمان رفیق با گروهی از هوادار سازمان همکاری می‌نماید. در جریان این حرکت رفیق به همراه ۶ تن دیگر دستگیر و پس از چهار روز بهت پشیمانان کارگران صنایع فولاد آزاد شد. رفیق در رهبری جنبش انقلابی کارگران نقش قاطعی داشته و پس از قیام نیز ضالانه در حرکات کارگری شرکت داشته. در ایجاد شورای کارگری بعنوان عضو فعال هیئت موسس شورای کارگران پروژه‌ای فولاد نقش فعال داشت و در روزهای اخیر بهمن علت به دستور کارفرما و کمیته داخلی کارخانه از کار محق می‌گردد. هم‌اکنون پشیمانان اکثریت کارگران صنایع فولاد جهت بازگرداندن دوباره رفیق به کار ادامه دارد.

از سبک دوم متوجه برای پیشبرد مبارزات سیاسی با دوستان يك محل تشکیل دادند. محفل درخین رشد خود با گروهی در کردستان فعالیت میکرد ارتباط برقرار کرد که هفته مرکزی آرا دانشجویان کرد مقیم تهران تشکیل میدادند. سپس دوران سپاهی دانش را در دهات گنبد گذرانده و با سالل دهستانی آشنای بیشتری یافت رفیق بعداً به کارگری در لرستان پرداخت. اولین تجارب مبارزات کارگری را که اکثراً ریشه روستایی داشتند کسب کرد.

سپس با نظنگیری بیشتر گروهی که بار رفیق در ارتباط بود به دستور گروه بکارآموزگاری در کردستان پرداخت. و در ارتباط گروه در مرداد ۴۹ دستگیر و پس از یکماه بهت زندان دلائل آزاد شد. از مهر ۴۹ ارتباط با گروهی که در تیریز فعالیت میکرد برقرار کرد که رفیق، رفیق، شهید اسدالله متقاضی بود. این تماس که کوششی بود برای ارتباط بین دو گروه تا اول بهمن ۴۹ ادامه داشت. مالک بزرگ منطقه بیکار بهت فعالیتها و تظاهرات شانه‌روزی رفیق در جهت ارتقا آگاهی‌های سیاسی تومدها متقاضی تبعید او را از کردستان نمود که به تهاوند منتقل شد ولی رفیق بجای تهاوند عازم سفر به تیریز برای ارتباط با رفقای فدایی بود که بوسیله عوامل ساواک شناسایی و دستگیر شد اما بهت زندان مدارک دال بر همکاری با تشکیلات به اتهام قصد تبلیغ به یک و بعد سال محکوم شد. و بعداً در زندان مجدداً بازجویی شده و بهت زندان محکوم شد. رفیق در زندان نیز به فعالیتهای مبارزاتی خود ضالانه ادامه داد.

رفیق پس از ۷ سال از زندان رژیم آزاد شد و فعالیتهای مبارزاتی خود را با گروه سنبل آغاز کرد و پس از مدتی به عضویت سازمان چریکهای فدایی خلق درآمد.

ناصر خاکسار خوزستان

رفیق ناصر خاکسار در سال ۱۳۱۴ دریک خانواده کارگری در آبادان بدنیا آمد. در سن دسالگی زندگی کارگری خود را آغاز نمود و در یکی از بیمانکارهای شرکت نفت مشغول بکار شد. رفیق از همان وقت یا سن طبقاتی سرمایه‌داری از نزدیک آشنا شد و مبارزات خود را با شاعرانوسی و پیش‌اعلامیه و... در خمت مبارزات صنفی و سیاسی کارگری شروع کرد. ناصر پس از کودتای ۲۸ مرداد از پالایشگاه اخراج شد. در سالهای بعد در اسکله‌های خرمشهر، قنبد فریمان چنانر مشغول فعالیتها و... بکار پرداخت که از تمام این کارخانه‌ها بهت فعالیتهای مبارزاتی کارگری اخراج شد در حدود سال ۴۵ مجدداً به پالایشگاه آبادان بازگشت که باز به خاطر شرکت فعال در اعتراضات کارگری اخراج شد و از آنجا به اسکله‌های خارک و محرن سازی خارک (شرکت ژاپنی) رفت. در خارک بهت فعالیتهای مبارزاتی خود و درگیری با یکی از مزدوران ساواک بنام سرهنگ صدارت به گناه تبعید شد.

رفیق پس از مدتی به آبادان بازگشت و سپس به کرمانشاه رفته و در تبلیغ‌های نفت آنجا مشغول بکار میشود. در آنجا مراسم جشن اول ماه مه را برگزار می‌کند و به واحد کمپخانه را بدین منظور تعطیل و به سخنرانی برای کارگران می‌پردازد. از آنجا نیز به همراه تعدادی از رفقای اخراج شد و سپس در پتروشیمی آبادان، ذوب آهن ماشین‌سازی تیریز، پتروشیمی شاهرود مشغول بکار می‌شود. که باز هم بهت فعالیتهای کارگری و سیاسی خود اخراج می‌گردد. بعد از آن به پالایشگاه عربستان سعودی می‌رود. نیز آنجا نیز اعتصاب راه انداخته و از آنجا نیز اخراج می‌شود و به پالایشگاه آبادان برمی‌گردد که در آنجا نیز پس از ۲ سال کار و چهار بار اعتصاب و چند بار بازجویی توسط ساواک اخراج میشود. رفیق در سال

اطلاعیه

ما این خبر را در روز ۶ مرداد ۱۳۵۸ در تهران اعلام کردیم و به اطلاع شما می‌رسانیم که در این روزها در تهران و سایر نقاط کشور، مبارزین و همبستگی‌ها را دستگیر کرده‌اند و به زندان‌ها فرستاده‌اند. ما خواهش می‌کنیم که شما نیز در این روزها با ما همبستگی کنید و با ما در راه مبارزات ما ایستادگی کنید.

محمدرضا جوشنی گیلان

رفیق محمدرضا جوشنی املشی (پزشک) در سال ۱۳۳۴ در یکی از بخشهای شهرستان رودسر بدنیا آمد. از همان آغاز با زندگی مشقتبار دهقانان آشنا شد و می‌دید که چگونه دهقانان با تحمل انواع فشارها و تحقیراتی که از جانب اربابان و میثرائشان صورت می‌گرفت زندگی پسرمتشتی را می‌گذرانند.

نسیم خاکسار خوزستان

نسیم خاکسار در سال ۱۳۳۱ در یک خانواده کارگری در آبادان متولد شد. او پنجمین فرزند خانواده بود. زندگی دشوار و سخت خانواده و زندگی در میان کارگران نسیم را از کودکی با سختی و رنجهای زحمتکشان آشنا ساخت.

نسیم دوران تحصیلی را در شهر زادگاهی آبادان گذراند و پس از گرفتن دیپلم به کار آموزگاری پرداخت. فعالیتهای سیاسی نسیم که از سالهای اواخر دبیرستان آغاز شده بود پس می‌یابد. نسیم خاکسار بهت فعالیتهای سیاسی و شرکت فعال در مبارزات مطمان در سال ۴۹ دستگیر و به دوسال زندان محکوم شد. پس از پایان زندان فعالیتهای سیاسی رفیق ادامه می‌یابد و در ضمن به کار نویسندگی بویژه نوشتن داستان برای کودکان پرداخت. رفیق در این نوشته‌ها می‌کوشد کودکان را به سختیها و محرومیتهای زحمتکشان آشنا سازد. رفیق در سال ۵۳ به خاطر نوشتن کتابی که مضمون سیاسی اجتماعی آن بهجهار بار همبازره میخواند دو باره دستگیر شد و به ۶ سال زندان محکوم گردید که با جنبش تومدها آزاد شد.

نعمت‌الله محمدی گلپین آذربایجان شرقی

رفیق ۳۲ سال پیش (در سال ۱۳۲۶) در یکی از روستاهای قرچین متولد شد. روزهای کودکی را در شرایط فقر و گرسنگی بسر برد از ۸ سالگی به کار طاقت‌فرسا در مزارع پرداخت. در ۱۳ سالگی برای کار به تهران مهاجرت کرد و نزد برادرش به سیمانکاری

از قانون اساسی چه می‌خواهیم؟

قانون اساسی بانک وین و تقویب

قوانین انقلابی و پیشرو باید راه را جهت

محو سئطه امپریالیزم و نابودی بهره‌کشی انسان از انسان هموار سازد.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند



بقیه از صفحه ۱

نیروهای گوناگون سیاسی با چه موضع و باچه هدفی در انتخابات ...

باشد چه خواستهای دارند؟
بعضی است که محتوای قانون اساسی و ماهیت مجلس خبرگان را عمدتاً سطح مبارزه و تناسب قوای طبقاتی تمییز می‌کند و مارکسیست - لنینیستها در این مورد دچار خرابی‌های اساسی شده‌اند. اما بسیاری از نیروهای سیاسی سازشکار و همچنین نیروهای مدافع سرمایه‌داری وابسته که در انتخابات شرکت دارند و بهجت پرس قانون اساسی پرداخته‌اند مثل همیشه می‌گویند ماهیت طبقاتی خود را از توده‌ها پنهان دارند و در پناه شعارهای گنگ و یا شعارهای عوامفریبانه، منافع طبقه خود را با منافع طبقات زحمتکش یکسان جلوه دهند. این نیروها در هر فرصتی بویژه در این مرحله جهانی از تاریخ مبارزات مردم ما، سمدارند مرز میان خواستها و منافع طبقاتی استوار شونده و استثمارگر را مشخص کرده و بدین ترتیب نگارند که توده‌ها فرق بین نیروهای پیشاهنگ طبقه کارگر و زحمتکشان را با نیروهای مدافع سرمایه‌داری تشخیص دهند. از همین روایت که مرزبندی دقیق میان نیروهای انقلابی که خواستار پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی و ضد سرمایه‌داری وابسته هستند با نیروهای دیگر از اهمیت فراوانی برخوردار است.

اگر نیروهای شرکت‌کننده در انتخابات را نه از روی اساسی و القایی که یکدستی‌کننده نه از روی حرفها و ادعایان بلکه صرفاً براساس اعمال و سیاستهای پستی براساس ماهیت طبقاتی آن پرس کنیم، می‌توانیم این نیروها را بطور کلی بدو دسته تقسیم کنیم:

- ۱ - نیروهایی که خواستار عقب‌نشینی و پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی و ضد سرمایه‌داری وابسته هستند و در جهت پیشبرد مبارزات کونی خلقهای ایران عمل می‌کنند. این نیروها را می‌توان بطور کلی بدو گروه تقسیم کرد:
الف - نیروهای انقلابی کمونیست
ب - نیروهای منحصی ضد امپریالیست و آزادیخواه
- ۲ - نیروهایی که سرمنظر ازادگان، موافق و سیاستهایان بهزیان کارگران و زحمتکشان و بسود بورژوازی تمام می‌شود. این نیروها را می‌توانیم به گروههای زیر تقسیم کنیم:
الف - نیروهایی که در حرف مدافع از منافع مردم هستند و خود را مارکسیست-لنینیست می‌دانند اما در عمل بهخاطر ماهیت روستایی‌پریشانی می‌گویند جنبش کارگری و بطور کلی جنبش انقلابی خلقهای میهن ما را بهاصراف و شکست بکشند. حزب سوسیالیست و گروههای دنبالرو چین از این قبیلند و هرچند که بین آنها اختلافات بسیار زیادی وجود دارد، اما همه آنها عملاً سیاست تبعیت از بورژوازی را تبلیغ می‌کنند و از آنجا که با مواضعی عوامفریبانه می‌دارند کارگران و زحمتکشان را بهیصلی و دنبالرویی‌آلود بورژوازی‌پیکاننده خطر بزرگی برای جنبش منسوی می‌نمایند.
- ب - نیروهایی که بهخاطر عقب‌ماندگی تاریخی‌شان و بهخاطر ماهیت روستایی‌پریشانی از یکسو و گرایش ضد کمونیستی و تنگ نظریشان از سوی دیگر قادر به ادامه مبارزه با امپریالیزم و سرمایه‌داری وابسته نیستند و هرچند گرایش به‌کوتاه کردن دست امپریالیزم و سرمایه‌داری وابسته به آن از خود نشان می‌دهند لیکن عملاً بهخاطر ماهیت طبقاتی‌شان قادر به مبارزه با نیروهای مدافع سرمایه‌داری وابسته یعنی نیروهای گروه ج هستند و از همین‌دولت که هر روز گام تازه‌ای در جهت عقب‌نشینی در برابر امپریالیسم و سازش با بورژوازی وابسته بردارند حزب جمهوری اسلامی و گروههای شبه به آن در این زمره‌اند.
- ج - نیروهایی که زیر پوشش دفاع از آزادی و دموکراسی و دفاع از ثمرات انقلاب و غیره، هدفی جز تحکیم سلطه سرمایه‌داری

۱۵ نفر از کارگران شرکت پروکاز سیدلم (پیمانکار ساختمان پتروشیمی ایران - زاین) که قبل از قیام اخراج شده‌اند خواهان

بقیه از صفحه ۱

پیش نویس قانون اساسی با اختیارات فوق العاده‌ای که به رئیس جمهور داده ...

قوای سگانه و ریاست قوه مجریه را بهمه دارد.
این اصل علاوه بر اینکه قوای دیگر را زیر یوغ قوه مجریه می‌برد، تنظیم روابط سه‌قوه را نیز از اختیارات رئیس جمهور دانسته است.

قوای سگانه و ریاست قوه مجریه را بهمه دارد. این اصل علاوه بر اینکه قوای دیگر را زیر یوغ قوه مجریه می‌برد، تنظیم روابط سه‌قوه را نیز از اختیارات رئیس جمهور دانسته است.

اختیارات منحصر در این اصل آنگاه وسیع، مبهم و قابل تفسیر است که در هر زمانی و طبق هر شرایطی میتوان آنها را بدلتواء تفسیر کرده و اختیارات جدیدی را از جن آن بیرون کشید. و این ترتیب در آینده معلوم نیست که مفسران در خدمت طبقه حاکمه چه اختیارات جدیدی در جهت خلاص‌سازی خلقهای ایران برای رئیس جمهور اختراع میکنند.

بنظر ما نویسندگان پیش نویس قانون اساسی به‌آنچه در اصل ۱۵ تحت عنوان «حق حاکمیت ملی» نوشته‌اند ندرای اعتقاد نداشته و دقیقاً بنظور نفی حاکمیت خلق یک‌چنین قدرتی بر رئیس جمهور داده‌اند. مثلاً اصل ۴۲ پیش نویس توضیح (امضاء) قوانین را حق رئیس جمهور میداند و با اختیار می‌دهد که چنانچه قانونی را مخالف با قانون اساسی و یا اصول مسلم و احکام شرعی ببیند، آنرا ابطال کند و برای تجدید نظر بمنظور شورای عالی بازگرداند. و باز چنانچه مجلس در تصویب قانون

**پیش نویس قانون اساسی به رئیس جمهور
اختیارات يك ديكتاتور را داده است .
دادن اختیارات نامحدود به رئیس جمهور تجاوز به
حقوق اساسی مردم است**

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

مزبور با فتاری کند رئیس جمهور آرا برای رسیدگی و تصمیم‌گیری نهائی به شورای نگهبان می‌فرستند.

دادن اینهمه اختیارات به رئیس جمهور که با حق حاکمیت مردم بر سر نوشت خوش‌منافات دارد ناپاکتر است که نویسندگان پیش نویس آنها را در ارتباط با مردم است زیرا نگذاشته و عملاً این حق حاکمیت را نابود کرده‌اند.

بموجب اصل ۴۶ پیش‌نویس رئیس جمهور مجاز است هرگاه نمایندگان مجلس لایحه‌ای را تصویب نکردند آنرا بهمه پرس می‌کنند. این اصل برخلاف حق حاکمیت مردم و نمایندگان منتخب آنهاست و تسلط قوه مجریه را بر مجلس قانونگذاری ابطال میکند. این اصل یادآور نحوه تصویب «اصول ششگانه» و باصلاح دستور انقلاب محمد رضا شاه مخلوع است که برای تصویب آن از همه پرس استفاده کرد. اگر قرار است که نمایندگان مجلس برگزیده مردم باشند، اگر تصویب لایحه‌ای را صلاح مردم ندانند حتماً است که آنرا تصویب نکنند و اگر این نمایندگان منتخب مردم نباشند که اصولاً صلاحیت نمایندگی ندارند و در اینصورت باید توسط شوراهای انقلابی خلق از نمایندگی خلق شوند. ولی نمیتوان با همه پرس لایحه قانونی، که شامل مواد متعددی خواهد بود تصویب کرد. چگونه مردم میتوانند بوسیله همه پرس بهجت و بررسی تک‌تک مواد قانونی بپردازند. و بهین دلیل اصولاً همه پرس برای شمول آری یا نه است. نظیر اینکه این مجلس باشد یا نباشد، رئیس جمهور باشد یا برود. و در هیچ‌کجای دنیا مرسوم نبوده است که در همه پرس به بررسی تنظیم قانون بپردازند. همیشه تنظیم و تصویب قوانین و مقررات در مجامع یا مجالس و شوراهای

بقیه از صفحه ۱

مستشاران نظامی امپریالیسم آمریکا ...

- ایران وارد شده‌اند در زیر ذکر می‌کنیم.
- Cof Herndon
 - Ltc Englemann
 - Cmdr Higbee
 - Ltc Lautzenheiser
 - Ltc Olson
 - Ltc Rinker
 - Ltc Stevenson
 - Maj Faulkner
 - Cpt Fierke
 - Cpt Hays
 - Cpt Vines
 - Lt Hatch
 - Lt Knapp
 - Lt Pannell
 - Lt Raaf
 - Lt Swanson
 - MSG Ragan
 - TSgt Baker
 - SFC Hardy
 - SSG Naldas
 - SSG German
 - SP6 Rick

است - میتواند مجلس را منحل کند. مشخص میشود که قوه مجریه عملاً حق قانونگذاری و اجرای قوانین را یکجا بخود اختصاص داده است.

بموجب اصل ۹۳ پیش نویس فرماندهی کل نیروهای نظامی با رئیس جمهور است و این اختیار بدون هیچگونه محدودیتی ذکر گردیده است.

علاوه بر اختیارات فوق، رئیس جمهور بموجب اصل ۹۵ در موارد اضطراری و فوری حق دادن اعلان جنگ، تارک آن و انعقاد پیمان صلح را داراست. با توجه اینکه همیشه جنگ بسورت اضطراری و بدون اطلاع قبلی بر وقوع می‌پوشند، و با توجه اینکه همیشه جنگ بخصوص در صحر حاشر عواقب و خسارات وحشتناکی برای مردم بیار می‌آورد چگونه میتوان این اختیار را با همه عواقب آن بدست یک نفر سپرد. اینکه بنده مردم (بموجب اصل ۸۸) از رئیس جمهور مسئولیت بخواهند حتی در صورت خطای آشکاری او را محاکمه و باعظام هم محکوم کنند جوابگوی عواقب خود یک جنگ بی‌حاصل و خاندان برانداز نخواهد بود. گنجینه این اصل نشاندهنده این واقعیت است که تنظیم کنندگان و مدافعان این قانون قصد بر سر نوشت مردم ایران می‌باشند و با این واهانی نداشته‌اند که در مشایه این اهمیت بدون دخالت خود مردم، زندگی میلیونها زحمتکش را دستخوش تصمیم‌گیری رئیس جمهور که بعنوان نماینده طبقه حاکم عمل میکند مینمایند.

باین ترتیب يك نگاه گذرا به اختیارات رئیس جمهور در پیش نویس قانون اساسی قدرت فوق‌العاده این نماینده طبقه حاکم را در جلوی دیدگان چنین برجسته میکند: رئیس جمهور بالاترین مقام کشور، پستدار قانون اساسی و دین رسی و مشول ترویج اخلاق در مملکت است!

او حق دارد قوانین تصویب شده را امضاء کرده و یا از امضاء کردن خودداری کند. تصویب نصت وزیر و رئیس کل ستاد با تصویب اوست. او خود فرمانده کلی نیروهای نظامی است. او حق دارد اعلان جنگ بدهد، تارک کند و پیمان صلح منعقد کند. اینها بعضی از اختیارات فوق‌العاده رئیس جمهور در پیش نویس قانون اساسی است که قرار است در مجلس باصلاح خبرگان تصویب برسد. آیا يك پنداره خودکامه اختیاراتش بیش از این است؟ با این اختیاراتی که قانون اساسی می‌خواهد به رئیس جمهور بدهد بدون شك قانون اساسی يك ديكتاتور تازه‌ای را در آستین خود پرویش خواهد داد

ما خواهان حق تعیین سر نوشت برای همه خلقهای ایران هستیم

نامه گروهی از عشایر خوزستان:

مردم پاسداری کند. ما از هموطنان مبارز خود می‌پرسیم که آیا چنین شخصی که خود خارتگر اموال مردم است، شخصی که وفاداریش پناه تا بعد از قیام ادامه داشته، چگونه می‌تواند حامی مردم باشد ولی ما با این روش‌ها آشنایی داریم. رژیم شاه نیز شوخ مرتجع را نماینده مردم معرفی می‌کرد. ویوسیه ژاندارمری و ساواک حاکم بر جان و مال مردم می‌کرد و امروز می‌بینیم همان شوخ بوسیه دولت و کمیته‌ها مورد حمایت قرار می‌گیرند. ما این احوال دولت را حیات به‌مردم زحمتکش می‌دانیم و آرزای پشندت محکوم می‌کنیم و از تمام مبارزین راه آزادی و هموطنان مبارز می‌خواهیم که با ما هم صدا باشند.

گروهی از عشایر خوزستان

نقر و فلاکت اهالی بیشتر شده است. نوروز چنانی علاوه بر این که مالک زمین های مزروعی هست. مالک، جان و مال اهالی نیز هست. این شخص که پیش از وفادارترین اشخاص پناه بود تا دوام مد از قیام نیست. برای اهالی سخنرانی می‌کرد. که شاه برمی‌گردد و ما نباید به او حیات کنیم و تنها حامی ما می‌باشد و چون سگی به‌ارپاشی وفادارمانده بود. تا این که یک ماه پیش کمیته دزفول اقدام به دستگیری او کرد و حکم جلب او به‌عنوان باواکی به‌اسگاه ژاندارمری ابلاغ شد. ولی بعد از چند روز خبر آمد که نوروز ۱۵۰۰ قبضه اسلحه ژ-۳ گرفته تا از اهالی پاسداری کند. بعد فهمیدیم که نوروز چنانی آزاد شده و حتی مورد اعتماد دولت قرار گرفته و با او اسلحه داده‌اند تا از اموال

به روزنامه کار: بعد از قیام شکوهند خلق‌های ایران علیه استبداد و امپریالیسم و سرنگونی دیکتاتوری شاه به‌امید این که تمام مظاهر رژیم پهلوی و وابستگی کشور از بین رفته و عناصر خود فروخته رژیم شاه و عناصر ضد مردمی گذشته دیگر جایی در این مملکت ندارند در روزهای اول بعد از قیام مشکلاتمان را با دولت دست اندرکاران دولتی در میان می‌گذاشتیم و سعی متناهیانه با متقاعد اقدامات سیاسی، اقتصادی، واجتماعی دولت که تنها به‌نفع سرمایه‌داران وابسته و امپریالیسم است، امیدمان را نسبت به این دولت از دست‌دادیم. ما با ارائه گزارش کوتاه، وضع اهالی و موضع دولت را نسبت به عناصر مرتجع و خود فروخته، به‌اطلاع هموطنان مبارز می‌رسانیم و از روزنامه کار می‌خواهیم که این مطالب را برای زحمتکشان درج کند تا مردم بفهمند که دولت حامی چه کسانی است و ما عیبت چیست.

شیخ نوروز چنانی مزدور شاه و زمیندار مرتجعی است که ساواکی بودنش برای همه آشکار بود و احوال شد مردم‌پاش را همه اهالی می‌دانند او شیخ و ثروتمند عتیبه «چنانه» که بین دزفول و دهلران واقع است، می‌باشد. ویکی از بزرگترین زمینداران منطقه است. که با فسخ زمین‌های زراعی و گرفتن نفع‌های مردم، با کمک سرمایه‌داران دزفولی چندین جبهه صیقل حفر نموده است. بیشتر جاهای عمیق متعلق به‌شوخی مرتجعی می‌باشد و دهقانان فقیر حق هیچ‌گونه استفاده از این جاهای را ندارند. شوخ مرتجع امروز، از درآمد سرشار این جاها میلیون‌ها دلار سود



گزارشی از مراسم معرفی کاندیداهای مردم توکمن صحرا برای مجلس خبرگان

در پی دعوت کانون فرهنگ‌سیاسی خلق ترکمن بنظور معرفی کاندیداهای خلق ترکمن برای مجلس خبرگان، پنجمین گردهم‌آیی شوراهای روستائی ترکمن‌صحرا در ساعت ۶ بعد از ظهر چهارشنبه سوم مرداد در محل جوانان پیشگام گنبد تشکیل شد. ابتدا پیام کانون فرهنگ‌سیاسی خلق ترکمن خوانده شد و در آن تأکید شد که: «قانون اساسی باید تمامی ارکانهای مردمی - سوسیالیستی اصلاح کننده قدرت مردم را برسریت بشناسد... در قانون اساسی باید حق خودمختاری همه خلقها در چارچوب ایرانی یکپارچه و متحد که جزئی از حقوق طبیعی آنان است برسریت شایسته شود...» و «توسیع و تصویب قانون اساسی فقط و فقط به‌منه مجلس مومسانمنتخب از نمایندگان توده‌های مردم یعنی کارگران، دهقانان، زحمتکشان و ملیت‌های مختلف است.» در این پیام در مورد علت شرکت در انتخابات تأکید شد: «صرفاً برای صاحتگی با توده‌های مردم و برای اعلام خواستهای بحق خلق ترکمن که تاکنون بوسیله عناصر مفرض و تا آگاه دگرگون جلوه داده شده است، برای دفاع از منافع زحمتکشان شهر و روستا و خلق مبارز ترکمن، در انتخابات مجلس خبرگان شرکت کرده، شرمحمد درخشنده توماج و عبدالحمیم مفتوم را بنویان کاندیدا های خلق ترکمن معرفی می‌کنیم.» سپس نماینده ستاد مرکزی شوراهای ترکمن

صحرا سخن راند و بعد از وی آقای ارزاش سخنرانی کرد و در بخشی از گفتارش اظهار داشت: «در پیش‌نویس قانون اساسی هیچگونه حتی برای خلقها، از جمله خلق ترکمن در نظر گرفته نشده است. ما خواهان مجلس موسانی که نمایندگان خلقها و زحمتکشان ایران را در خود داشته باشد بودیم، ولی آنها مجلس خبرگان را پیش‌کنیدند... ما در اینجا جمع شده‌ایم تا نمایندگان خلق ترکمن را معرفی کنیم و از طریق مجلس خبرگان استفاده می‌کنیم تا از ستمهایی که به‌خلق ترکمن و زحمتکشان این منطقه می‌شود پرده برداریم... در انتخاب نماینده به‌ماقتدای ما مراجعه کنید... شرمحمد درخشنده توماج و عبدالحمیم مفتوم نمایندگان واقعی خلق ترکمن هستند. اینها امتحان خود را داده‌اند و در سراسر ترکمن صحرا چهره مبارزانی آنها روشن شده است...» در پایان شرمحمد درخشنده توماج و عبدالحمیم مفتوم با اشاره به‌صحتگی و یکپارچگی خلق ترکمن سخن گفته و ضمن تأکید به لزوم گنجانیدن «حق خودمختاری خلقها... در زمینهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی» اشاره کردند ما آماده‌ایم تا آنها که در توان داریم، از منافع بحق و طبیعی خلق ترکمن و زحمتکشان این منطقه دفاع نماییم و خواستهای بحق آنان را بگوش‌دیگر خلقها، ایران برسانیم.

رسمی شدن کارگران پیمانی شرکت نفت حق مسلم آنهاست

زیرا که وزارت کار همیشه در کشیورهای سرمایه‌داری چه سرمایه‌دار یک فرد باشد و یا دولت، فرقی نمی‌کند هرکس آنها کارگران را اشتغال می‌کنند و کارگران بدون استفاده از حریمهای حقوق نمی‌توانند حق خود را از سرمایه‌دار که دشمن کارگر است، بگیرند. بنابراین هر زمان که کارگران پیمانی شرکت نفت به‌خاطر خوش‌پاوری ناشی از عدم آگاهی بر کار بازمی‌گشتند پس از مدتی برای آنها روشن می‌شد که خواستهای آنها بفراموشی سپرده شده است. تا سرمایه‌داران نتیجه‌رسیدند که از همان آغاز نمی‌بایستی پوهده و وعده دلخوش کنند و امیدوار باشند که کارفرما به‌خواستهای آنها جواب مثبت بدهد. از این‌رو هدف از کارگران در تاریخ ۲۳ اردیبه‌سنت بیک احتصاب سه روزه زدند. اما به‌خواستهای اساسی آنها رسیدگی نشد و سرمایه‌دار کارگران که تعداد آنها تنها در آبادان ۷۰۰۰ نفر است باین نتیجه رسیدند که دست بیک اقدام همه‌جانبه بزنند آنها طرأ اعلامیه شماره ۱ خود بنام هیئت موسس سندیکای کارگران پیمانی سابق شرکت ملی نفت ایران اعلام موجودیت نمودند. تا بدین‌طریق فعالیت خود را هم‌آننگ تر و متشکل‌تر سازند. آنها خواستهای خود را بشرح زیر اعلام نمودند.

مبارزه کارگران پیمانی شرکت نفت که از مدتها پیش بنظور رسیدن به‌خواستهای برحق خود آغاز شده بود، با محسن آنها در چند هفته پیش وارد مرحله‌آزادی شد. بنابراین همه از کارگران می‌مهد که کارگران تنها با اتحاد و مبارزه پیمان می‌توانند به‌خواستهای خود برسند. هرگونه خوش‌پاوری نسبت به‌حسن نیت سرمایه‌داران و دولت حامی آنها، و هرگونه کاستی در مبارزه پیمان علیه آنها، تنها به‌نفع سرمایه‌داران و بزبان کارگران تمام خواهد شد. هدف سرمایه‌دار، اشتغال هرچه بیشتر کارگران و به‌سخت آوردن سود بیشتر است. هیچگاه دیده نشده است که سرمایه‌داران از خواستهای کارگران حمایت کنند و نفع آنها کامی بردارند. اساس کارگر و سرمایه‌دار در دشمنی آتش‌پا به‌تر با یکدیگر بر می‌آید و منافع آنها متضاد است. کارگران تنها با اقدام متحد و متشکل خود قادرند مبارزه را به‌نتیجه نهائی برسانند. کارگران پیمانی شرکت نفت از مدتها پیش بارها برای حل مسائل و مشکلات و رسیدگی به‌خواستهای برحق خود با مسئولین شرکت نفت و وزارت کار تماس گرفته‌بودند. اما از این مذاکرات نتیجه‌ای نگرفتند. وعده های وزارت کار و شرکت نفت برای برآوردن خواستهای آنها چیزی جز وعده و وعده تو خالی از کار دریا، دلیل آنها روشن است.

تجلی همبستگی خلق کرد

محسن ۲۴ ساعت خابواده‌های بازداشت‌شدگان میوان، راه‌پیمائی ۱۲۵ کیلومتری سنجند - میوان ساعت ده صبح جمعه ۵ اردیبه‌سنت پرشور هزاران نفر از مردم مبارز سنجند آغاز گردید. هدف از این راه‌پیمائی اعتراض به‌سولتی است که به‌مردم می‌افزاید و به‌پاسداریان متکی است. ...» بدنبال

در راه‌پیمائی ۱۲۵ کیلومتری سنجند - میوان جمعه پنجم مردادماه راه پیمائی ۱۲۵ کیلومتری میوان نفر از مردم سنجند به‌طرف میوان آغاز شد. در اعلامیه‌ای که دفتر هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در سنجند باین مناسبت انتشار داده آمده است: «... بدنبال

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران کتابهای خود را با آرم مشخصی که قبلاً در «کار» چاپ شده‌است، منتشر می‌کند. بدیهی است کتابهایی که این آرم را نداشته‌باشند از انتشارات سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران نمی‌باشند.

از مبارزات پیروزمند زحمتکشان روستای باغچه پیام‌وزیم

دیگران حدود ۲۵۰۰ عتکار از زمینهای این روستا را به‌بهایه مکانیزه تصرف نمودند. آنها در سال ۱۳۴۳ زمینهای با‌اصلاح مکانیزه خود را گسترش داده و به‌پیش از ۶۰۰ عتکار رساندند دهقانان به‌مقاومت پرداخته و در یک زد و خورد خونین ۶ نفر از طرفین زخمی شدند. صیخی خان برای سرکوب زحمتکشان از مزدوران مسلح (جاشهای) خود و ژاندارمری ضدخلق استفاده کرد. بعد از این حادثه دهقانان خیال می‌کردند از طریق قانونی و شکایت‌سازی می‌توانند به‌حق خود برسند. در جریان شکایت بازی صیخی آمینی مورد حمایت مستقیم ساواک و ژاندارمری شد خلقی قرار گرفت و جسی چند نفر از اهالی محکوم به‌تیمید شدند. صیخی آمینی از دو دستگی و فقره درین دهقانان

دفتر هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در سنجند طی اعلامیه‌ای شرح مختصری درمورد مبارزات روستائیان باغچه داده است این گزارش یکی از دهها نمونه‌ای است از مبارزه دلاورانه زحمتکشان روستا بر علیه تجاوز و غارت مالکین زمینداران مرتجع، زیرا هر جا که ستم هست مبارزه نیز خواهد بود. ما برای اینکه یکی از نمونه‌های پیروزمند مبارزات خلق قهرمان خود را بر علیه ستم طبقاتی بیان داریم به‌انتشار آن می‌پردازیم. اکنون نگاهی کوتاه به‌روستای باغچه بیندازیم:

در سال ۱۳۴۱ دهقانان باغچه زمینهای خود را که سالها روی آن کار می‌کردند آوارگی نمودند. در سال ۱۳۴۲ صیخی خان آمینی و

نبرد خلق
شماره ۲
مشر شد

نبرد خلق

مجلس چریک‌های فدایی خلق ایران

فهرست

- ۱. جمله ده امیرالوزیران و هیئت دولت
- ۲. در باره تصدیق استعفا
- ۳. یاد فدائی کرمان
- ۴. جویبار
- ۵. در باره کربلای معلی
- ۶. در باره کربلای معلی
- ۷. در باره کربلای معلی
- ۸. در باره کربلای معلی
- ۹. در باره کربلای معلی
- ۱۰. در باره کربلای معلی
- ۱۱. در باره کربلای معلی
- ۱۲. در باره کربلای معلی
- ۱۳. در باره کربلای معلی
- ۱۴. در باره کربلای معلی
- ۱۵. در باره کربلای معلی
- ۱۶. در باره کربلای معلی
- ۱۷. در باره کربلای معلی
- ۱۸. در باره کربلای معلی
- ۱۹. در باره کربلای معلی
- ۲۰. در باره کربلای معلی
- ۲۱. در باره کربلای معلی
- ۲۲. در باره کربلای معلی
- ۲۳. در باره کربلای معلی
- ۲۴. در باره کربلای معلی
- ۲۵. در باره کربلای معلی
- ۲۶. در باره کربلای معلی
- ۲۷. در باره کربلای معلی
- ۲۸. در باره کربلای معلی
- ۲۹. در باره کربلای معلی
- ۳۰. در باره کربلای معلی

پیام کنفدراسیون جهانی به خلقهای مبارز ایران بمناسبت ۳۰ تیر

کنفدراسیون مسلمین و دانشجویان ایرانی در خارج، برای بزرگداشت روز تاریخی سیم تیر، پیامی فرستاده‌است که خلاصه‌ای از آنرا درج می‌کنیم:

با درودهای فراوان به‌شهادی بر اقتضای سیم‌تیر برای ما دانشجویان و مسلمین خارج از کشور موجب اقتضای است که می‌توانیم باید آوری وحدت عمل و مبارزه توده‌های جان برکف و وطنان در ۳۰ تیر ۱۳۳۱ در مقابل دشمن امپریالیسم و ارتجاع داخلی، پیام های بهتیت و درود بین‌ایان خود را به‌زحمتکشان و خلقهای مبارز و انقلابی‌میهن‌ان اعلام داریم. سیم‌تیر از یکسو فرآیند مبارزه انقلابی مردم تحت ستم میهن علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی و از سوی دیگر نتیجه مبارزه مردم علیه گرایشات سازشکارانه‌ای بود که از طریق درجه‌بران فرستادگی که بدرون جنبش خلق خیز بودند به‌جنبش تحمیل میشد، تجربه سیم‌تیر نشان می‌دهد که چگونه در زمانی که برخی از درجه‌بران فرستادگی نیروهای جنبش خلق - مسالغ جنبش را زیر پایمکنانند توده‌ها با دست‌زدن به‌مبارزه‌ای انقلابی - آزادارانی

کرده و عملاً در میدان مبارزه، سازشکاری و فرست طلی «درجه‌بران» خویش را به‌سماکه می‌کنند.

امروز مردم میهن ما دریافته‌اند که تنها و تنها درازی وحدت خلق‌های تحت ستم است که امکان تداوم انقلاب تا قطع کامل نفوذ امپریالیسم میسر است و این خود درگرو آگاهی طبقاتی و متشکل طبقه کارگر است.

ما خاطره روز سیم‌تیر را هر چه زودتر زنده نگاه می‌داریم تا امپریالیسم و ارتجاع داخلی بدانند که اقتضای، وحدت عمل و همبستگی توده‌ها در مقابل ضد خلق، پایدار، استوار و تا محو کامل سلطه امپریالیسم و تا بودی‌ارتجاع داخلی ادامه خواهد داشت.

تا بود باد امپریالیسم و حال داخلی‌ش. حرکت برامپریالیسم جهانی به‌سرگردگی امپریالیسم آمریکا. پیش سوی وحدت همه نیروهای مترقی و ضد امپریالیست برای تأمین منافع خلقهای زحمتکش ایران.

گرامی باد خاطره شهادی بخون خفته ۳۰ تیر

کنفدراسیون جهانی مسلمین و دانشجویان ایرانی (انقلابی) فرانکفورت - ۵ اردیبه‌سنت

درگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا و وابستگانش